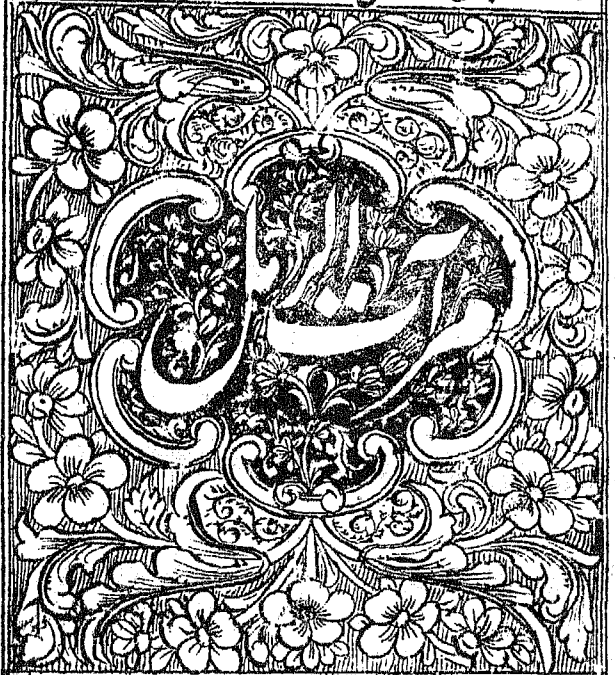


صناعت کمال و فضل خلاصه روزگار
چون صنایع کلیدین ان و ان و ان

خوشتر ساله جامع قواعد علمی و عملی فن رمل مشتمل بر شرحات توضیحات عمیق



مصنّفه صاحب دستگاه فن رمل حکام شانزده امّال نور محمد صاحب

در مطبع میثقی کاشور مطبعین ان اجماع

که باد محبت دارو کیفیت بملع و مرتبه جماع و حالت منی و تنیدی و تیزی و کیفیت نموی
 زهار زن زناکاره حقیقت میل طبع و اراده سائل و دل بستگی دارو یا نه اگر سائل زن
 دارو حاصل است یا نه و در خانه طیور و حیوان دارو یا نه و مراد هر گونه که دارو حاصل شود
 یا نه قاعده اگر مال خواهد که بدانند که امر و زبر من چه خواهد گذشت برین نیت روز
 اول رمل بزند اگر در اول شکل سعد باشد و خانه نظرات هم سعد باشند یعنی حسنه
 ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ امتام روز پنجوشی و خمسی و سعادت بگذرد
 و اگر شکل یکبار تکرار کند آنچه که اول مذکور شد و شاهد و نواظر یعنی شاهد هر دو
 و نواظر هر دو اگر نیک بودند و سعد هم آن روز پنجوشی بگذرد و اگر شکل نحس داخل باشد
 و شاهد و نواظر هم نحس باشند آن روز بنا خوشی و ملائت طبع بگذرد و از حزب اول
 و مهم گوید اگر نهمه سعد باشد و در حانه نیک تکرار کند البته آن روز خوب باشد و اگر
 در اول و نهمه شکل نحس باشد آن روز حکم درست نشود و اگر در حانه دوم
 شکل داخل باشد در خانه ۵ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ اگر کند البته نتایج بدید و اگر در حانه
 ۵ و ۴ و ۱۶ شکل داخل سعد باشد فتوح آن روز بسیار بسیار رسد و اگر در ۲ باشد
 و گواه ۳ و داخل البته زرسرخ بدست آید یا در کسبه دارد و اگر چه در حانه
 ۳ و ۴ و ۵ باشد البته فتوح برسد و اگر شاهد داخل ۲ و ۳ و ۵ و ۶ باشد حکم
 بر سعادت دارو و از حانه رخ بالعکس

قاعده و رسیدن از فتوحات غلبی از زرو طعام
 اگر در خانه نهمه و سوم شکل داخل باشد البته آن روز چیزی از طعام نخواهد رسید
 چنانچه در خانه سی مذکور این شکل باشد ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ و الا از حزب
 اول دوم گوید اگر این شکل مذکور بود البته فتوح رسد و اگر ۲ در هم ایا باشد البته
 چیزی خوشبو یا از طعام رسیده شود و اگر در هم ۱ باشد و در حانه نهم و

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شما و صفت ایزدی را نیز است که افراد بی نوع انسان را از زوج آفریده و تقاضا
کواکب را بر اوراق سپهر نقش بسته و صفقه ارض را از مرکز وجود آدم مزین ساخته
حسل جلاله و غم نواله و تحت آن آفتاب آسمان رسالت را زیباست که از
نور هدایت گم گشته گمان ظلمت جهالت را ریهی فرموده و دامن و امن سعادت
بر حال نخوست اشتغال گمراهان بخشیده صلوات الله علیه و علی آله الطاهرین و
اصحابه المرئیین - اما بعد این چند اوراق که احقر العباد و نور محمد رآل شتله باب
که از فوائد عجیبه مسلم ریل هر یک مملو است یاب اول داشتن حال روزمره
خود و حال روزمره سائل یاب دوم در صورت و سیرت اشکال
یاب سوم در قواعد و تفروقات که هر یک ازان آرموده و مجرب است حج ساخته
تا مشمرات الرطل بناده یاب اول در دریافت احوال روزمره سائل اینکه
ملک دارد و مقام دارد و یانه و پدر و مادر و همشیره دارد و یانه و برادر و فرزند هم هست یانه
و محبت با کسی دارد و یانه اگر در او چه قدر در او رکنیه چیزی هست یانه و چند کسان عزیزند

۵ و ۱۵ داخل سده باشد فتوح رسد مثل $\frac{3}{7} = \frac{2}{5} = \frac{1}{3}$ و از نخس بالعکس
 قاعده در باب دریافت نمودن که طعام از شادی آید یا از غم
 اگر اول طریق یا بیاض باشد و نگار در خانه نیک کند از شادی طعام آید و از غم از
 ما تم رسد و خانه پنجم شاهد خانه اول است و شاهد هر چنانکه ۲ و ۳ و ۵ و ۷
 است و اگر در میزان $\frac{3}{5}$ از دوغ آید آن روز کشایش از سفله و خسیس باشد و اگر در
 اول $\frac{3}{7}$ یا $\frac{3}{9}$ بود بر گنگی طبع و پریشانی حسا طر بود و اگر در دوم $\frac{3}{7}$ باشد
 و نگار در ۵ اکند و ال بر رسیدن چیزه نچته بود و اگر در خانه اول و ۳ و ۵
 ۴ و ۹ شکل خارج یا منقلب بود و رمال و سائل را آن روز حرکت از حساب
 خود واقع شود و بی قصد رود

قاعده دریافت کردن اینکه فلان کس در خانه هست یا نه
 اگر رمال خواهد از کسی بپویند که فلان کس در خانه هست یا نه اگر او آمات $\frac{3}{7}$ یا $\frac{3}{9}$
 یا $\frac{3}{5}$ بود البته آنکس در خانه باشد و یا در خانه ۴ و ۵ داخل یا ثابت شود و آنکس
 در خانه باشد و اگر $\frac{3}{7}$ یا $\frac{3}{9}$ ناظر بود ملاقات شود و اگر شکل ۳ در ۵ یا در ۳ یا ۹
 مکرر کند و ال بر حرکت و نقل رمال یا سائل بود یا نه در خانه آتش یا باو باشد
 و در خانه خارج باشد نیز و ال بر حرکت ست و شاهد هر خانه ۳ و ۵ است اگر نه
 موجود در خانه ۵ یا ۳ یا ۱۵ باشد و ال بر حرکت است

فتاعده اگر خواهد بداند که فلان چا میر و هم مر او حاصل شود یا نه
 بداند اگر شکل ۵ خط و او مر او حاصل شود و اگر داند که چند کس در خانه آیند از ۴
 گوید اگر در خانه ۴ حاصل باشد البته خواهند آمد و آمدن مردم نیز از اشکال هم
 گوید و اگر در ۴ هم داخل باشد کسی خواهد آمد و اعتقاد و دین و وعده ایشان و
 طاعت و احوال ریاضت و عبادت ایشان از خانه معلوم کند و احوال خود را نیز بهم

مرآت الرمل

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۴	۳	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱۰	۹	۸

دو بال شکل از خانه خود در خانه هفتم است یعنی اگر شکل از هر دانه که باشد شمار کند تا خانه هفتم چنانچه این غیر در مرآت الرمل ذکر کرده اند و اگر او سکن و خروج و مزاج و حرف و ادب و غیره و انشا الله علم بالصواب دیگر سوال اعانت

قاعده برای اعانت و مدد و گاری و پو و پانته

اگر زمان خواهد با کسی دیگر سوال کند که فلان پار یا آشنایاری و مدد گاری کند یا نه این حکم از منسوب دوم و پنجم و پانزدهم و یازدهم کند اگر پنجم و سیزدهم و اول است که اعانت کند و اگر خارج باشد نکند و سجد خارج پنجم و سیزدهم حکم دارد و نفس و ثبات و منقلب همین دلیل است اما از ثبات سجد است و اعانت است و اگر در دوم شکل داخل سجد باشد البته یاری خواهد کرد و از دیگر اشکال کند

قاعده برای دریافت حصول مراد که شود یا نه

اگر رملی خواهد که بداند که امروزین فلان چه میروم مراد حاصل شود و این حرکت مراد واقع شود یا نه پس اگر در خانه سه شکل خارج یا منقلب باشد و در چهارم همچنین بود حرکت کردن تکبیر و در ششم که در خانه باشد اگر در آنجا خط یا قوت وارد مراد حاصل گردد اگر در اول و دوم و سه و چهارم شکل خارج یا منقلب باشد سائل را حسرت واقع شود و اگر داخل یا ثابت باشد حکم بر سکون کند و اگر در خانه اول شکل نفس باشد و تکرار در خانه ۶ یا ۸ یا ۱۰ یا ۱۲ یا ۱۴ یا ۱۶ یا ۱۸ یا ۲۰ بر رسیدن رنج و بیماری کند و اگر در خانه اول ۱ یا ۳ یا ۵ یا ۷ یا ۹ یا ۱۱ یا ۱۳ یا ۱۵ یا ۱۷ یا ۱۹

اگر خایه که پیش کے برو و ارادہ او معلوم کند و ارادہ آنکس کہ پیش بر مال خواهد آمد
 از خایه ہشتم معلوم کند کہ چہ ارادہ کردہ سے آید و از مشروبات شکل خایه ہشتم گوید دیگر
 اینکہ آن روز را کہ قسمت کند وقت اول از ضرب اول و ہفتم گوید و درم از
 از ضرب دہم و ہجدهم گوید و قسم سوم از ضرب چہارم و شانزدهم گوید و ہر نتیجہ
 کہ در روی رمل حاضر باشد و در خانہ خط و وقت حکم آن کند پس تثلیث میکند
 و باقی دائرہ وقت اشکالی دہرط و طرح و اوج و وبال و غیرہ اینست

اشکال	وقت اوج	وقت مکمل	وقت بروج	وقت صمد	میلوط	شماره	دایرہ	ساعت	انج
۱۱۱	۱	۱	۲	۲	۱۴	۴	۶	۹	۱۱
۱۲۰	۱۰	۲	۱۵	۱۵	۷	۱۲	۸	۲	۹
۱۲۹	۵	۳	۴	۱۲	۳	۱۳	۹	۱۱	۱۳
۱۳۸	۱۶	۴	۱۶	۱۶	۱۲	۹	۱۰	۵	۸
۱۴۷	۱۱	۵	۱	۱	۹	۱۲	۱۱	۷	۱۱
۱۵۶	۶	۶	۱۰	۱۰	۱۶	۲	۱۲	۱۶	۱۱۰
۱۶۵	۸	۷	۸	۸	۱۳	۳	۱۳	۱۲	۱۰
۱۷۴	۲	۸	۷	۷	۱۶	۴	۱۲	۱۲	۱
۱۸۳	۲	۹	۴	۴	۱۰	۶	۱۵	۴	۲
۱۹۲	۳	۱	۹	۹	۱۵	۵	۱۶	۱	۳
۲۰۱	۱۲	۱۱	۱۲	۱۲	۲	۸	۱	۴	۴
۲۱۰	۷	۱۲	۱۳	۱۳	۱۲	۱۰	۲	۸	۵

اگر سوال از دوست قدیم باشد که بامن دوستی کنسیانہ اگر و را - داخل باشند
 دوست است و اگر نخس است دلیل بر عنصه و غم خوردن سائل است و مندا سائل از
 گوید و از چشم سعد داخل بود دلیل مردمان تا شاد و لهو دیدن و لباس پوشیدن
 و شوق کردن و عطر بالیدن و سیر کردن و میل بر نکاح دارد و اگر سوال کند که محبوب من
 چیست پس این را از کتار یا زدهم گوید اگر رمال بداند که دوستی من زیاد است و دوستی
 را شکل اول ۱۱ ضرب کند اگر نچه سعد بود دوستی سائل زیاد است و بازا اول را در
 ۵ ضرب کند اگر نچه سعد بود دوستی محبوب زیاد بود و بازا کتار نچه گوید هر نچه که در خانه
 ۳ و ۸ و ۹ و ۱۱ کتار کند دوستی او زیاد شود و اگر نچه مذکور در خانه ۷ - ۱۰ و ۱۰
 کتار کند دوست هر دو بودند دشمن و اگر در خانه ۶ و ۸ و ۱۲ کتار کند دشمنی
 او زیاد بود و کتار در خانه هائے تثلیث دلیل دوستی بسیار است و کتار
 خانه هائے تسد پس دوستی بدیله اوسط و زوج و ساقط و شتمنی باشد

قاعده پدربافت شخصی که چه قوم دار و چه صلیت
 اگر کسی سوال کند که فلان شخص چه طور و چه قوم مرد است از خانه دهم گوید یا از نخل
 پن گوید که صاحب عدد دهم است اگر پن در اول آید یا در ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۱۰ و ۱۵
 باشد مرد بزرگ بود و اگر در ۶ باشد مرد فروش باشد و در ۷ و ۸ و ۹
 مردده شود و در ۹ مسافر و در ۱۲ حیوان فروش و اگر پن در رمل نباشد از شکل
 دهم گوید بطریق مذکور پن پنجه که کتار پنجه در خانه مذکور شده است

قاعده پدربافت حال عرضی و ادن پادشاه
 اگر رمال بداند یا کسی سوال کند که عرضی پادشاه یا چه بزرگی دهم یا نه اگر در هم شکل
 خارج سعد باشد عرضی دهن نبود و اگر شکل سعد باشد عرضی داده شود
 و خوانده گردد و اگر در هم شکل داخل باشد حکم دیدن عرضی کند و اگر بداند که چرا این شکل

البته امید بر آید خواه داخل سعد بود خواه داخل محس دیگر آنکه شکل پ منسوب
 به امید است اگر در رمل است و در خانه قوی است و در خانه داخل باشد البته
 امید بر آید و مراد حاصل شود و اگر در خانه ضعیف باشد امید به شواری بر آید و اگر در
 رمل نباشد شکل دوم را با یاد هم منرب کند و حکم از داخل و خارج کند و در هر خانه
 که پ باشد از نسبت منوبات آن خانه حکم کند که مراد حاصل شود یا نشود و اگر
 احکام کلی آنکه شکل مقصود سائل را با اول منرب کند اگر نتیجه با طالع به نظر دوسنی بنید
 مقصود حاصل شود و در خانه دوسنی این است ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰
 و بعضی خانه های تثلیث را دوست پسند از بد یعنی ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰

قاعده برای حصول منصب یا گزینی

اگر سوال از منصب دجا گزینی و غیرت یا فزوری باشد شکل دهم را که منسوب است
 باشد شکل که در خانه دهم است منرب کند اگر نتیجه سعد باشد پس حکم به حاصل شدن
 سوال مذکور کند و اگر در خانه ساقط نگار کند و نتیجه بد باشد برنا شدن حکم کند
 و هر جمیع سوال حکم بر این منظر کند یعنی سوال از هر خانه که باشد و شکل ظاهر
 خانه را موافق خانه سوال بنید اگر باشد مقصود حاصل شود و ناظر خانه ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ است و اگر این خانه با حلقه باشد از نتیجه حکم کند و اگر ناظر سعد باشد
 همه وجوه سعادت بخشند یعنی با مردم مرادات و ملاقات حسب سعادت
 ناظران باشد و اگر محس باشند تمام نحوست دهند و با مردم تفاق نشود و الله اعلم

قاعده بد ریافت آنیکه چیزی بدست آید یا نه

اگر ژمال بداند با کس سوال کند که بطبع چیزی بجای خواهیم که میرود چیزی بدست
 آید یا نه اگر در رمل و در خانه ۲ سعد خارج باشد و در دوم داخل باشد و در خانه
 هشتم سعد خارج باشد چیزی بدست خواهد آید و نیز تکرار اگر در خانه قوی کند تا هم

دهد اگر در خانه ۱۲ و ۱۵ اخرج سعد باشد جواب یک دهر و سخن بود و در اگر کسی
 سوال کند که پادشاه یا بزرگی سخن بگویم قبول کند یا نه بگویم اگر این شکل بود سخن
 را قبول کند $\text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ}$ و اگر $\text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ}$ بود عرض داشت قبول کند و اگر
 $\text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ}$ بود پیش از سخن گفتن گفتگو واقع شود و اگر $\text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ}$ بود سخن بناگذاشت
 و اگر $\text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ} \text{پ}$ بود و ال بر حصول نصف مراد بود و از آن عرضی و خطا

قاعده بدریافت اشکله امید از که دارد

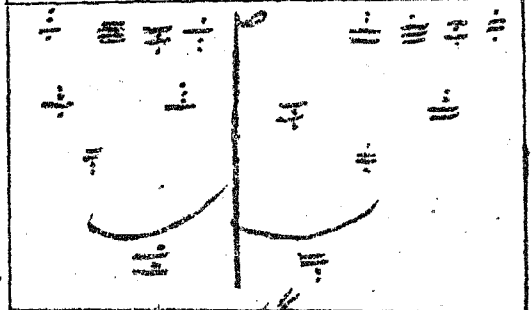
اگر ژمال معلوم کند که امید از که دارد پس اگر امید رفیق و آشنا یا در اول
 یا دوم ضرب کند و نتیجه را با یاد دهم پس از منسوبات حکم کند و اگر امید از برادر
 یا سایر باشد اول در سوم ضرب کند و نتیجه در یاد دهم ضرب کند و از منسوبات
 حکم نماید و اگر امید از پدر یا زراعت باشد اول در چهارم ضرب کند و نتیجه در
 یاد دهم ضرب کند و اگر امید از خواهر و مشوق و فرزند بود اول را در پنجم ضرب کند
 و نتیجه را در یاد دهم ضرب کند و از منسوبات حکم کند و علی هذا القیاس از هر خانه بیرون
 و خارج حکم کند اگر نتیجه داخل یا ثابت در رمل موجود باشد و در خانه خوب تکرار
 کند البته امید بر آید و اگر اول را با سوم ضرب کند نتیجه را میند آید یا نه بر آید
 امید از برادران و خواهران دارد و همین طور آنچه که نتیجه بر آید و بهر خانه که سخن دارد
 از منسوبات آشنا حکم دارد و اگر نتیجه از ضرب یاد دهم آنچه که بالا مذکور شد در
 رمل حاضر نباشد بعد از دید امید بر آید و از خارج نه بر آید و سخن گفتن با کسی از
 او گوید و اگر ژمال بداند یا کسی سوال کند که امید یکم دارم بر آید یا نه این را
 از خانه یاد دهم گوید اگر شکل سعد داخل بود امید بر آید و اگر سخن خارج بود این
 امید بر آید که نقصان خواهد شد و اگر ثابت بود حصول نعمت بدر بود و از آن
 شکل گوید اگر آنجا شکل سعد باشد و خارج بود بر رمل شود و اگر خانه اول داخل سعد باشد

خسب تجرید و گوید و بدانند که این هر سه تیره در کدام خانه است نفع و ضرر را از مشرب او گوید و از سود و
نقص و قوی و ضعیف حکم کند چنانچه در اثره داشته شده آنچه بعد در خانه قوی باشد حکم بر بنگ حال سال
کند که در باطن خوب است دانند اعلم

قاعده پد ریافت کل احوال سائل

اگر سائل سوال از کل احوال کند بهترین حکم کند شگاری زدیم این است پس در اول عقده

بود افتیم بسیار ملوسه و شش و شش نظر
داری لیکن بعد از ۲۱ روز سائل
شو و آن زد که داری چرا که
از دانه ای ۲۲ عدد در دست
زوج و فرد هر این قیاس همه را

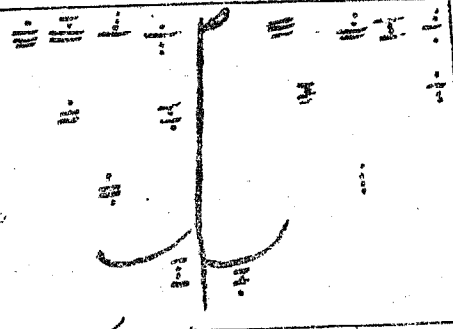


باید دانست فامور و دهم چه بود گفتم که بعد از روز یکشنبه خواب شدند و در سومین شب بود گفتم بعد از
۲۴ روز خبر از ادران رسد و در چهارم شب بود گفتم که بعد از ۱۹ روز اگر کار در ۱۴ کند ۱۹ ماه حکم
کند و ایجاد در چهارم پس بعد از ۱۹ روز از پدر و ملک نفع رسد و در پنجم شب بود بعد از ۱۹ روز نخست از
طالع فرزند و مشوق دود و در ششم شب بود گفتم بعد از روزی که چهار پایه خرد فامور یعنی و
در هفتم حاجت بود گفتم بعد از ۱۴ روز احوال شریک و غایب نیک شود در هشتم شب بود گفتم بعد از
۱۹ روز نخست از طالع زن دیگر برود و خوش برفت شود و در نهم شب بود گفتم بعد از ۲۴ روز حرکت و
سفر شود و در دهم شب بود گفتم بعد از ۲۳ روز از مادر و طالع فامور یعنی و در یازدهم شب بود گفتم بعد از ۲۳
روز امید حاصل شود و در دوازدهم شب بود گفتم بعد از ۱۹ روز کسی دشمنی خواهد کرد و بد آنکه حکم نقط
آتش یک روز و یک بنه و آب گماه و خاک یکسال چنانچه حکم یک روز یک بنه و سال دارد بدین
قیاس نگاه کرده عمل کند و ملت گوید و برگرد در عمل هر شکل که خواهد بود گوید

خواص اشکال آنچه که در طالع دارند

حکم بیگی طالع کند و نقطه آبی مفتوح بود و حکم گشادگی طالع بود و دست بیگی طالع از تکرار شکل مذکور کند به معلوم
 آرون بیگی دل سائل که با کسی دارد از تکرار شکل مذکور که اگر در هر تکرار کند بیگی دل با فرزندان یا مستحقان
 دارد و اگر در عبادت زن دیگر در علاج آرد و اگر در تکرار کند وقت خواب باشد حکم بر بویار شدن سائل کند و در ۸ و ۱۰
 بر رسیدن خوف از آب و آتش و در ۱۲ - از دشمن و محضی گفته اند که این حکم از سینه گوید چنانچه اگر در رول بیستم
 سائل بیگی جای دیگر دارد و چنانچه سائل کشیدیم به صورت اتفاق افتاد و با یکسایه این است خواستیم که

در آنم که کاری چه میکنند و بدانیم که در زمانی از بیست و پنج
 پس در اول این بشود و در خانه او شکل خانه
 بفرم از دایره اصغری بود و فرم از برای شهر
 خود بیستی داری و تکرار به در ۹ و ۱۰ داشت
 گفتیم شهر تو در سفر است پس همین طریق از
 هر خانه حکم نماید این مثال پس بود ۴۰



قاعده دانستن فکر و اندیشه در سائل

فکر و اندیشه سائل از تکرار شکل اول گوید اگر در وقت جاگوار کند دوست یا بد دوستی و از سعد و شکر و الا محض
 بر بود اگر در اول باشد سائل با با بد گفت که وقت مرگ با مال داری که مال غنایم باشد و معلوم کردن
 میل طبع از تکرار شکل اول است چنانچه در اول اگر بشود و تکرار در خیریم کند یا بد گفت که طبیعت سائل
 چنانچه در سر و عفتبانی را خوب است و فکر از جانب فرزند دارد و در هر خانه که تکرار کند از مشروبات
 سخنان گوید چنانچه کرده اگر از سائل که فکری خاطر دارد و سبب گرفتگی خاطر از شکل اول معلوم کند
 چنانچه از دایره سخن در اول گفته باشد دل پر سردی و خشکی مهران و لغو علی هذا التماس و در خانه
 اساکت باشد اول از تکرار سائل است و امید را نداشتن و باقی احکام برین قیاس

قاعده دانستن پائی و ناپائی سائل و عیوب

نظر کند در خانه اول یا پند یا سائل باشد در روی رول غلبه کند حکم بر جنب سائل یا زن یا سخن

در اول در اول بر سر بدن غضب و نجاست باشد باقی احوال پاک و ناپاکی از خانه نیم گوید که کیفیت معلوم کردن زن از گوید در شکل ناقصه احوال خون $\frac{1}{2}$ $\frac{1}{3}$ $\frac{1}{4}$ $\frac{1}{5}$ $\frac{1}{6}$ $\frac{1}{7}$ $\frac{1}{8}$ $\frac{1}{9}$ اگر یکی از این احوال در اول آید البته در اول جسم در دندان سائل یا در سر و روی دلغ یا عجب داشته باشد و همین اگر در دوم آید حکم بر نفسا و گردن کند و در سوم بر کتفها و دست دهم بر سینه وی عیب است و در چهارم بر پهلوی و پنجمگاه و در هفتمگاه و در هشتمگاه بر شکم و در نهمگاه بر رگت تناسل و مقعد و در دهمگاه بر ران و در یازدهمگاه بر ساقها و در دوازدهمگاه بر قدم تا از سجد حال دلغ و از نخس زخم و جراحت و بعضی گفته اند اگر در شکل ناقصه باشد برنگار آن حکم عوارض پدید کند چنانچه در اول سر و دوم گردن و سبب زخم از خانه هم گوید از دست و شکل و در هر خانه که شکل ناقصه قوی باشد حکم او مستجاب شد از ضعیف و مشروبات اعضا با شکل موجب

هدایت الری اینست

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
سرور	تغذای گردن	حلق	پشت	سینه	شکم	توان	سرین
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
پنجمگاه	دل	هر دو زانو	ذکر	ساق	فرج	جمله اعضا	قدم

اگر نقاط سودا شکل باشد بهتر و زنده اضطراب دل از اولی و هشتم گوید اگر پنجم سعد داخل بود و خاند نکس باشد خوب است و از نخس رنج

قاعده و استنسیار

بفیت معلوم کردن خمیر رنگه را که نقطه آتش باشد از آنجا خمیر بود و در آن شکل که نقطه آتش از زمین رسیده باشد اگر آن شکل در آن خانه قوی باشد یعنی صاحب سکن یا ایوان یا عمارت یا مزاج خمیرها باشد و اگر قوی باشد یعنی آن شکل چند نقطه هر خانه یک یک دهد هر جا که نقطه آتش شود و خمیرها بخورد همان شکل باشد و انشاء اعلم

۱۶

رفته و متولدات ماه و زوالمات سال باشد و نیز اگر کسی سوال کند که مقصود من تا کی خواهد شد از
 همین قاعده حکم کند و از ضرب اول و پنجم گوید و بیند که کدام عنصر برآمده اگر آب نماید مراد برادران
 و خواهران باشد علی هذا القیاس و مدت لغتن و آب و خاک شناختن از دایره ایج باشد اینست

≡	⊥	⊥	≡	≡	≡	≡	≡
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹
≡	⊥	⊥	≡	≡	≡	≡	≡
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱

و مدت هر گفتن از دایره مذکور چنانچه ۲۹ عدد داشت آتش یک با چهار و آب هشت و خاک
 شانزده باشد و حکم این دایره از شکل مقصودست و چنانچه اگر سوال از سفر باشد و در
 ۲۵ روز یا هفت سفر خواهد شد و نیز تکرار شکل را انگار در هر کار و مدت گوید

قاعده و استن مباحثت و غیره

کیفیت معلوم کردن مباحثت سال که امر و زوال قه شود یا نه پس اگر در اول ≡ باشد یا ⊥ یا ⊥
 یا ⊥ در خانه ۲ یا ۴ یا ۵ یا ۹ یا ۱۱ باشد و بجز در ۳ و ۵ و ۷ باشد البته مباحثت واقع شود موجب شده
 هست و اگر در خانه اول نقطه آتش باشد آب باشد و در ۳ و ۵ نیز باشد آنروز البته مباحثت واقع
 شود و یا در اول باشد و در ۷ هم باشد نیز در اول جماع است و خانه احتکام خانه سوم
 باشد از آنجا حال این حکم گوید

قاعده و استن عالم و جاهل شخصی

معلوم کردن عالم و جاهل شخصی او در خانه اول و شکل سجد باشد و بشرطیکه ۳ و ۴ در ریل موجود پس
 عالم است و اگر در ریل و کیفیت معلوم کردن که سال کمال دارد یا نه اگر چه شکل سال است و نیز شکل
 آفتاب بنوب به کمال است در خانه طاق باشد سائل کمال دارد و معاش نیست و خانه های طاق است

۱۸

و خانه اول صاحب خانه باشد و مقتم همان و کیفیت شاد و نداشتن منیافت از خانه اول گویند بسیار
 و طوفان از مه و احوال همان از مه و مقام مجلس از مه و خوشی و ناخوشی و سانه و دوازده از مه و احوال بر
 و نیزه و شکاران از مه و احوالی زمان که از مجلس حاضر باشند و جنگ و خصومت واقع شود یا نه از مه و
 خون و نظاره و احوال علم و خواب و سفر و ملاقات شود یا نه از مه و احوال کار کردن و مرضی از مه و احوال
 دوستان از مه و احوال دشمنان و چهار بیان از مه و این احکام همه جمله کارها است که اگر در خانه شکل
 سعد باشد بریدن طعام گوناگون و اگر داخل و ثابت باشد دال طعام یک نوع و منقاب نیز دال بر
 گوناگون طعام و شکل سعد دال طعام لطیف و خوش طعم بزرگ و بی اگر آن شکل آن طعام ضعیف باشد دال بود
 نسوبات و تعلقات ضایع بود و اگر شکل اول تکرار در خانه سعد کند دال بود که نسوبات خانه زود حاضر
 سازند و در پیش تکرار از نسوبات آن خانه زود حاضر سازند و اگر در خانه اول بود و مابین شکل بود نه از مه و احوال
 بر چیزی یا شیرین و نان و دود و گوشت حیوانی آبی و طعام بسیار گوناگون و اگر نه و چه بود دال بر
 و طعام لطیف و حلوت و در دوران مجلس باشد و اگر چه و پیش بود دال طعام جرب و شیرین و میوه با سه
 بسیار و طعام بسیار و شیرین حکایت عجیب غریب در آن مجلس باشد و اگر چه بود دال چیزهای شور و
 محوس و گوشت طاز و چکن و ارد و طعام ترش بسیار و کثرت همانان و اگر چه بود دال بر طعام ترش و شور
 و خام و خصومت و ننگین بودن صاحب مجلس کار بود اگر چه و چه بود دال بر طعام شور و مکره و ننگین
 بودن همان و فتنه رخاستن در آن محفل و خرابی مجلس و متفرق شدن آنرا بخدا اگر این اشکال هر جای که
 مکرار کنند با هم مزاج باشند از آنجا سخن گوید و اگر معلوم کند که همان چند روز خواهد ماند اگر شکل آن خارج
 باشد یک روز یا دو روز و اگر داخل باشد شبانه روز و اگر انقلاب باشد نیزه روز اگر ثابت است چند روز خواهد ماند

همه برین قیاس حکم کند و الله اعلم

قاعده دانستن برادران خواهران	
کیفیت معلوم کردن برادران و خواهران سائل نیست که اگر چه در ریل موجود باشد یا بگفت که سائل برادر خواهد بود اگر باشد از خانه سه گوید و حکم از داخل و ثابت بر بودن کند	

جماعت	قبض الخارج	قبض الداخل	لبان
طعام چند مزه و گوشت حیدران پنجه دار	طعام خام تلخ و شور خل بخی مزه و تلخ	شکر و قند زشی آمیز	چیزی چرب و شیرین
عده	اکلیس	عضله	سج
عس گوشت گو سفید پلا و قلبیه و دال	سش و گوشت و دال عدس	تلخ و شور و اچار و طعام خام	گلاب و زیت و نان و کیاب و خراب
عینه اظهار ج	نضرة الداخل	نضرة الخارج	بیاض
تلخ و شور و شراب و جو خامده و خام	تلخ و شور یا مزه و قلیل و طعام لطیف	برنج و نوز کندی شیرین	شیر و دغ و برنج و موی
طریق	اجماع	عینه الداخل	نقی الخد
چند مزه دار چیز و پیلی	کلیسی و نخود	شیرینی فاخته و نان و کیاب و شراب	بادانجان و انیون و شکهازه و طعام کرده

اگر سرد طعام امرور خواهد ریسی پس دل با با ۱۰ باشد حکم بر رسیدن طعام کند و اگر در خانه ناسه نیک
بکار کند طعام از شادی رسد و در خانه بکار کند از ماتم رسد و بعضی گفته اند که نقطه با دلیل شاد است
باشد و لقا خاک طبل غم و اگر شکل در خانه قضا نقطه آتش دارد دلیل بر چینی چرب و شیرین خوردنی
باشد یا خواهد خورد و اگر با باشد مثل گوشت در معن و اگر آب باشد مثل و دغ و نان خشک و اگر خاک
باشد مثل بنات و ساگ و غیره خورده است و بعضی از ضرب ۵ او هم حکم قضا گفته اند این پنج نوع باشد

قاعده مهمانی و ضیافت

بیمت معلوم کردن ضیافت و مهمانی و غیره اول معلوم کند که درین مهمانی عروسی خواهد شد یا نه و خوشی کند یا نه
پس نظر کند بجاناس او تا در لرح چون او بود و اگر در پنجاه سال سبب باشد حکم خوشی کند و اگر در اول
و اسعد باشد و در آن مجلس سائل و رسال را خوشی باشد و اگر در ۱۰ و ۲۰ باشد عاقبت بخیر باشد

و اگر اندک سال دشمن دارد یا نه از خانه ۱۲ گوید اگر شکل در خانه ۱۲ سخن باشد و تکرار در خانه ۱۲ باشد کند دشمن دارد و اگر در خانه های قوی باشد همین حکم دارد و الله اعلم

قاعده دانستن طیبور

و کیفیت معلوم کردن که سائل طیبور دارد یا نه اگر در رمل موهوم و بود و در حرف اله قوی باشد و در خانه ۱۲ یکی از این اشکال باشد ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ ۳ حکم و داشتن طیبور کینه در چنانچه بیخه و ال بطول و شارک بود و اگر شک و چه بر بود و عمر غالی چه بر که ترو و صرع جالکی و چه که ترو و فاخته و غلبه از دهر و از روبرو طیبور باقی برین قیاس حکم کند که این اجفسر نور محمد بعد گفته اند اعلم

قاعده حالت زنان شاختن

اگر از حال زن کسی پرسد از خانه ششم گوید و اگر برسد که با زن جماع شود و یا نه چنانچه اگر در ۱۴ بود و جماع با ضرب باشد و اگر نه بود و چشت و اگر نه بود و بسمت و حکم کردن از ۱۲ گوید و چون ۱۲ در پیشم باشد چنانچه با جماع کند و زن بسیار خوشنود و اگر کسی برسد که جماع را لذت یابم این را از ضرب ششم و هفتم گوید اگر نه ۱۲ باشد لذت یابد و زن خوشنود و گردد و اگر نه سدد و نیز دلیل به مقابلهت خوب است و اگر نه بد باشد و جماع لذت نباشد اگر کسی سوال کند که فلان زن از من رغبت کند یا نه از ششم گوید و چون ۱۲ در ۴ و ۴ باشد فرج زن طراوت دارد و ضیق نباشد و بود ۳ در ۴ زن موی سر زن از خانه ۱۲ و این جدول حال زن و مرد دریافت کند بصلت

طراوت فرج زن از ۴ و ۸ و ۱۲	موی نه بار زن از ۴ و ۸ و ۱۲	موی سر زن از ۴ و ۸ و ۱۲	کلی و در آن جسم از ۴ و ۸ و ۱۲
شوق و محبت باشد و هر از ۳ و ۹ و ۱۲	محبت و دوستی بخواهد از ۴ و ۸ و ۱۲	میل نماند با زنان میل مردان یا ۳ و ۹ و ۱۱	میل سیر و عاشا از ۴ و ۸ و ۱۲

و عدد و بار و خواهر از تکرار ۳ یا از شکل ۳ گوید اگر در خانه آفتاب و یا دیگر اکتیو بر آرد در او خواهر بر آرد
و آب و خاک خواهر یا ششم بر آید

قاعده دانستن حیات اقربا و اغزا

اگر مال بداند یا کسی سوال کند که این مردان من چند حیات اندیش به بیند در زنا بچ که پیش و پیش کجاست
اگر در خانه ششم باشد کسی از اغزاها راست و اگر در خانه ۸ باشد مرده است و اگر در ۱۲ باشد کسی قید باشد و اگر
شکل سوم تکرار در ۵ و ۱۰ کند کسی برادر غالب باشد و حقیقت دانستن پدر سائل از بگوید اگر
در ریل در خانه قوی باشد سائل پسر دارد و اگر غایب باشد پدر مرده است و نیز از شکل خانه چهارم گوید
اگر داخل باشد و تکرار در خانه و دنیا مایل و نکند پدر سائل هست و از باقی نه و اگر از حیات مادر خواهد
که بداند از ۳ گوید اگر موجود در خانه قوی باشد مادر سائل زنده است

قاعده دانستن ملک و مقام سائل

اگر معلوم کند که سائل ملک دارد و مقام دارد و یا نه شکل ۳ صاحب ملک است و شکل مقام اگر در
هم ۳ موجود باشد ملک دارد و اگر ۳ موجود باشد مقام دارد چون ۳ موجود باشد یک مکان دارد
و اگر این شکل در دو سه جا باشد دو سه مکان دارد و خوبی الاک و مقام از شکل هم گوید اگر در خانه هم
شکل قوی باشد حکم بر خوبی کند و اگر خشن باشد حکم بر بدی مقام کند و خرابی و ضعف الاک از منسوب
اشکال کند چنانچه اگر در ۳ باشد حکم بر آریا در خانه کند

در قاعده دانستن فرزندان سائل از دیانه

و فرزندان سائل از تکرار ۱۱ گوید اگر موجود باشد یا در خانه ۵ شکل داخل معبد باشد حکم بر شدن
فرزند کند اگر تکرار در خانه آفتاب یا با کند حکم بر زمین است و اگر در خانه آب و خاک باشد مانده
و عدد اگر در خانه ۱۱ باشد حکم کند که زن سال حامله است و اگر در ۱۵ بود و در ۱۷ دور
۸ بود دلیل جلی بود

در قاعده دانستن دشمنان سائل از دیانه

...

موجود که صاحب خانده هشتم است از دائره ابجد اگر کار در خانه اول ۱۳۰۸۹۶۹۲۹ است
البته چون مسائل برسد و با شکل اول باشد مرتب کند اگر تفسیر بعد باشد بگذارد و از نقش بد باشد
اگر کو به خون از کجا رسد اگر تفسیر بعد از ۳ بود و مکرر در ۳ کند از برادر و مکرر در ۴ پدر علی بن االقیان

قاعده دانستن چهار پایان سائل

بسیقت معلوم کردن چهار پایه که سائل دارد یا نه اگر یا در رمل موجود بود و در خانه قوی باشد
حکم بر بودن چهار پایه کند و عدد چهار پایه از نگارش شکل ششم گوید یا از شکل ۱۲ گوید و حاصل بهترین
چهار پایه و حاصل است از خانه و شکل بعد ۱۲ گوید

قاعده دانستن مطلوب سائل

اولیقت دانستن مطلوب سائل اگر در خانه ۳ شکل داخل یا ثابت بود سائل مطلوب دارد و اگر
خارج باشد مطلوب ندارد و از منقلب استی و انشیه شود و انشا علم

قاعده دانستن مراد سائل و صدفقت

اگر معلوم کند که سائل و طلب مراد صادق است یا نه اگر این اشکال در خانه او هم بود
سوال مراد باشد و در خانه هم او این اشکال آید مراد حاصل شود و
حکم انفصال نیز درین باشد بطریق مذکور و اگر معلوم کند که سائل آنچه طلب کرد حاصل شود
یا نه اگر در هم اسعد داخل بود البته یا بد

قاعده دانستن احوال خانه سائل

کیفیت معلوم کردن احوال خانه سائل ز نو کند و وجود اناات خانه مثل اینکه اگر در خانه چهارم نش
باشد دلالت کند که درین خانه ما را باشد و اگر نبود و ال بر عقب است و کواالت خانه سائل
ازین بعد نقل دریافت کند

پیش خانه خانه	پس خانه خانه	بین ویسا ر خانه	علامت همسایه از
۰	دوم	سوم - ۳	خانه سوم و پنجم
			بین ویسا ر

نماز و اغاض زن از	قوت زن بر مرد	حقیقت جماع	لذت جماع زن
۱۴	از جنانه ۳۳	از ۱۴	از افراط و تفریط
وقوع جماع با تقرب	جماع بوخت	و تکلم با جماع	جماع چند بار از
از ۱۴ و از ۱۴	از ۱۰ و از ۱۰	از ۲ و ۳	۸ و ۵
حالت قضیب مرد	و حال تنگی از	و حال ضرب از	و حال طبع و سیرت
از ۵ و ۵	۵ و ۵	۳۱ با شتاک	از اول و ۳
و حال عشق از	و غلبه مباشرت	و قوت مرد از	کیفیت چند بار جماع
خا ۵	و شوق از اول	۱۳ و ۳	از ۱۴ و از ۱۴
در آغوش گرفتن	در انزوی قضیب	موی ز بار مرد	داع جسم و گل
از ۲ و از ۲	از ۱ و از ۱	از ۱۲ و از ۱۲	از ۹ و از ۹
حریف شدن بر جماع	نامرود بودن از	سستی قضیب	و مظلوم مرد از
از ۵ و از ۵	بند و از خاها نهای	از ۸ و از ۸	۵ و از ۱۳ و از ۱۳
	زائل	نخس	داخل

قاعده دانستن حال قرض

اگر کسی سوال از قرض کند از شکل بیستم گوید و تعداد قرض از عدد شکل گوید و تکرار او را جمع نماید و از مناسبات گوید بحسب دائره بزرگ اگر گوید از فلان کس قرض طلب کند بدین را اول
 بیستم گوید اگر بیست داخل باشد و در ۱۴ داخل یا منقلب باشد البته در و اگر بیست خارج باشد و

در نخس داخل نهد و الله اعلم

قاعده دانستن خوف سائل

اگر در یافت کند که سائل را خوف رسد از تکرار شکل اول گوید چنانچه اگر بی در اول یا در اول

گردیکم ۴۵ شد گفتم سئال ۴۵ سال است و المدا علم بالصیقا

باب دوم در وصف اشکال

اگر در خانه ادواقی شود و دلیل بر رسیدن خویشی و حصول مقصود بود اگر نگردد بگوید که جاب باشد
 و اگر چه گواه بود دال بر چله حیوانات خاصه است و اگر چه یا بگواه بود دال بر خوردن حلوا بود
 و گواه هر خانه ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ است و اگر غلبه کند یعنی از دو بگذرد حکم برعکس کند و در رختا
 ۵ و اقی شود دال بر رسیدن خبر خوشی و در بداند که سنج و این شکل از مرض ایچه الخلق بر دانه
 و در خانه هفتم طلاق دادن زن را دلیل است و در ۸ - این بودن از خوف و در ۹ کوفتی
 راه در سفر و خطبه خواندن و در ۱۰ کوفتی حال مادر و پادشاه دور یا زدم بافتن امید و شفا از مرض
 و در ۱۲ خوف از دشمن و حواسی مجوس و حیوانی بزرگ را فروزش و بخشیدن و اگر این شکل
 تکرار در خانه بخش کند دال بر خصومت بود و این الخلق بیعت و نفوس و نظار و دست

احکام حمیره

اگر در اول آید و گواهی باشد بی تمام ۱۰ - بلکه نریا در خانه ۸ و ۱۲ باشد
 دال بر فاد بود و اگر در ۵ آید دلیل حرکت بچه از شکم یا مردن او در شکم و این شکل از فرض ایچه الخلق
 بدیان چشم و گوش و در سنج و در ۸ دال بر مرگ و خصومت و بجزویم مرگ و مجوس
 را ایم قتل بود و در وان شدن خوف از مرض و در ۱۲ دال بر غلبه دشمنان و بجزوری
 چهار یا پنهان بزرگ و از مرضها در شکم و در نعل و چاحت و مانند آن و از مردم بی نماز و امر
 کاح زائل کنند بگارت بود و اگر در خانه ۱۳ آید و تکرار کرده باشد و گواه نیک بود و
 بر رسیدن ز سر سنج است و اگر در ۱۴ اقی شود سائل را از فرزندان ترس بود و در ۱۵
 و کم شده و تلف گشته بدست نیاید و اگر در ۱۶ باشد برای طلب حاجت روز سه شنبه
 نیک بود و در ۱۷ و ۱۸ برای مجوس طلق و بجزویم و در شکل بسیار و صراحی بود و اگر در
 در چشم باشد و پنهان بود دلیل بر خوردن شرف بود و اگر غلبه کند دلیل بر بیماری بی بیاری است

بیرون آمدن از دروازه از خانه	رفتن نزد کسی از خانه دهم - ۱۰	منزل اول خانه	منزل دوم خانه
خانه ۶ -	منزل چهارم خانه	منزل پنجم خانه	منزل ششم و هشتم
خانه ۷ -	سوادت و نحوست	منزل دهم خانه	مقام مهارت و عبادت
خانه ۱۶ و ۱۳	خانه از خانه ۳	منزل دهم خانه	ارضا خانه ۸ -
<p>و اگر در خانه چهارم بی بود دلیل که در خانه قبور بود اگر بی بود دلیل خار در چاه تاریک و بدون آبرو است و آنچه که اشکال منسوب به مقامات بدت است است دائره منسوب به اشکال بقاات خانه</p>			
بیان	آهسته الداخل	عقبه الخارج	جماعت
بام	دین	دروازه	صحن
فرج	حجره	نقش الخلد	عقد
جای سند و باغی	اندرون خانه	آبر خانه	صفر کوچک
نصرة الخارج	نصرة الداخل	قبض الداخل	فیض الخارج
زیر بام	صحن بام	جای نهادن مال و حجره	بیت الخلد
بیاض	انگیس	اجتماع	طریق
ایوان	پروردگازیر	طاقچه	گذرگاه
<p>قاعده و استقن بعد از مسائل</p>			
<p>کیفیت معلوم کردن مسائل اینکه شکلی که در خانه باشد از دایره بود یعنی که آنجا این که چند عدد در آن بود و خانه هم بیج کند که نقد مسائل باشد مثلاً که در راه ششم خانه بود و خانه بیستم هم بیج</p>			

مال بود اگر چه حال بود خوب حال شود و اگر خوب باشد بد شود و در ۱۲ دال مجوس و خوف از نقصات
 و رسیدن علم از کودکی در اول دال بر سرگردانی باشد و بر خج مال و بر آمدن غائب بود و در ۳
 جنگ و فتنه و مخالفت در میان دوستان و مبارکی سفر در خرابی مکان و در ۴ بدی
 حال بیمار و خوف مرگ بود از مرض تب و لرزه و در حصبه و آلت و در ۵ حضورت زن
 و شوهر و بدی حال بیمار و غائب بود و در ۶ فقره در میان دوستان و اگر غلبه کند بد باشد
 و اگر کم باشد نیکار کند و ال بر حشمت خاطر و بیم حضرت از زردان و تقویق در مطلب و اگر تکرار نکند
 نکاح و علاج را فسخ دهد و غلبه برای بیمار و حامله نیک بود و در ۷ خانه بد بخوری فرزندان و در ۸
 حرکت و خوف از جانب عزیزان و حیوانی دال میراث

احکام اجتماع

اگر در طالع بود و گواه جناح باشد دال خلاصی حامله و بیماری بود و در ۹ آمدن غائب
 بود و دلیل رسیدن شادی بود و در ۱۲ دال بر قنوج از غیب بود و اگر غلبه کند دال بر هلاک
 بیماری بود و در ۱۳ از امر اض فوج و استسقا و در پشت و در گریه و صرع و تب و در ۱۴ بود و
 در ۱۵ دال غائب دزن خواستن نیک بود و الله اعلم

احکام عقبه این تاریخ

اگر در جای نیک تکرار کند و زدی در ۱۶ دم شده بدست آید و اگر جای تکرار نکند و در ۱۷ باشد
 و زدی در ۱۸ دم شده بدست نیاید و بیمار و حامله و مجوس بعد از دیر خلاص شود و در ۱۹ سفر به
 احتیاط واقع شود و در ۲۰ و ۲۱ دال بر رسیدن علم از دشمن یا گواه سعد باشد و در ۲۲ و ۲۳
 در خانه از مرض در چشم و تنگرم دجا و در ۲۴ و اول این شکل آیه هیچ حکم نباید کرد
 و اگر در خان طاق باشد البته حرکت واقع شود و اگر تکرار نکند نفس باشد و سلامتی غائب و حامله بود
 و ملاست خاطر و نیا بدن گزیننده زیست رفته و هلازی مرن و بدی حیوان کلان و توقف در
 کار و شکست لشکر بود و اگر کم باشد تکرار کند جمیع احوال میانه بود و حصول امید باشد و اگر غلبه

رخ خوردن بود و دلیل آنرا که بکارت بود و خصومت و دعوی میراث و اگر یکبار تکرار کند
حال مجبوس و حامله میانه بود و اگر در عین آید دال بر برآمدن مطالب و آمدن خون از دهن
بود اگر تکرار اینک کند همه احوال سائل نیک بود و اینجام بخیر باشد

احکام نضرة الخارجة

این شکل سوارست اگر در خانه آید دال بر نقل مقام بود و اگر در اول و ۲ و ۳ و ۹ باشد
بر سفر بود و در ۱۲ بکشد دلی کار بود و در ۱۶ سحر و ججیات یافتن بعد از شدت غم و اگر غلبه کند
بدر باشد و اگر در ۳۰ باشد غائب در سفر در ماند و براسه سفر و حرکت نیک بود و نیز براسه زن
غماستن و بیماری و حامله نیک بود و دال بر آمدن غائب و در دیده و گم شده باشد و اگر در اول
یا در خانه دهم باشد دال بر حصول مقاصد و زیاده شدن عزت و جاه و صحبت بیمار بود و از سینه
تعلق دارد و اگر یکبار تکرار کند جمیع احوال مناسب و میانه بود و ترود و خاطر زیاده و خرج
زیاده بود و اگر غلبه کند دال بر فتنه و خصومت از بزرگان و خلاصی بیمار و حامله و بعد از شدت
و سلامتی غائب و دست رفته و ادای قرض بود و الله اعلم

احکام بیاض

اگر در اول آید خونت راست بود و اگر در خانه ۶ و ۸ باشد حکم بر کفین دارد و اگر در ۱۰ هم بود
معه بود و نوبت و اگر غلبه کند برای بیمار و حامله بد بود و اگر تکرار کند ضعیف شود
و اگر در ۱۰ هم رسد بیمار سے رود و صحبت برسد و اگر در ۱۰ بود دال بر درازی عمر بود و در حکم
نکاح هم دارد و در ۱۵ دلیل بر فرزند و نیز خویش و در ۱۰ سیدن زنی پیوستن یا زنان
اگر غلبه کند بد باشد و اگر غلبه نکند دلیل بر آمدن غائب و سلامتی حامله و بیمار و جمیع مطالب
و اگر در ۱۰ رسد دلیل بر آمدن مقصود است

احکام قبض الخارج

اگر این شکل تکرار نکند گم شده و دست رفته بدست بیاید اگر غلبه کند دال بر تلفت

مقارنه چپ بود اول بر بستگی کار بود و اگر غلبه کند و ال بر حصول مطالب و زیاد شدن مال
 و یافتن گم شده و در کینه و دزد و زور و دود و ال بر چنین خاطر در اول بود و نیز باطل شدن غم سفر
 باشد و بر اسب پیاری و محبوس در خانه ششم و دوازدهم بدید

حج

رو دال بر لذت و شهوت باشد و اگر در خانه
 فقر حرارت مزاج و بدی علاج و طلب برای
 دست رفتن بیاید و بر اسب نسق و فخر نیک بود
 اگر بیطرفند بکن آید قاصد در و درسد و اگر گزار
 ن فرزند بهتر بود و صحت بیار باشد از امراض در و
 بود اگر در خانه نیک باشد فتح جنگ بود

اخل

بود و اگر در اول آید دلیل آمدن مراد بود و
 یک است این ش بود دلیل آمدن غلبه و یافتن
 همه کارها نیک بود و اگر گویا رنگ آید بر آمدن
 بود و اگر ش شریک این باشد و ال
 و هر چه و مخفی نامه و دزد دیده و گم شده باشد

سد

حاضر دند و خاطر و حصول نام بود و اگر
 طلب باشد و اگر غلبه کند و ال بر خوف و بدی در حقا

است و سقوط عمل باشد و قصد ازین چهار و اگر در یاد ۲ یا در ۳ آید و ال بر زیاد شدن عمر سائل
 و مال و معاش زیاد شدن و ترقی جاه و مرتبه و دیگر این شکل فائده بسیار است بر اسب نکاح

کند دال بر سلامتی حامله و بیمار و زایل شدن عجز و دیر آمدن غائب و سلامتی نفس سائل و دال است
و دشمن بود و الله اعلم بالصواب

احکام انگیس

دال بر شخص خاک آلوده بود و در خانه و در صنعت بود برای خاطر مال و اگر گزارد بسیار کند دال بر خلاصی
بیمار و حامله و مجوس بود و اگر گزارد کند دال بر بدی و عینده و در ۶- دال بر خیزدن غلام و حیوان
بود و از امر اضح پیش و در روز اتو و معتقد بود و اگر در نیمه آید زرد است آید و اگر تیره قریب گواه
بود چهار پایه و نامه برسد و در ۹ براسه سفید بود و اگر تیره یکبار شش یک شده تکرار کند بدی بیمار و
حامله بود و الله اعلم

احکام عصله

اگر یکبار گزارد بدی بیمار و حامله بود و اگر بطرف بیدن آید غائب زود برسد اگر تکرار نکند نیک بود و اگر غلبه
کند دال بر ظهور امراض و گرسنگی و تنگی معاش و بدی قنات و قبض خاطر و ملالت طبع و جمع
شدن مردم در گورستان و بدی احوال مریض و حامله و در خانه دال بر دشمنی و خج
بود و در ۶ خیزدن غلام و در ۸ براسه بیمار و حامله و مجوس بد بود و در ۹ بدی حال سفر و خواب
پیش آن دیدن و در اول بر آمدن غائب و قوت عمل و شغل در ۱۲- دال بر عقید شدن و در ۲۰
و انگیز بود و در ۱۶ دال بر غم فائده و مشک بود و دال بر شخص بیاده و زن حامله و کاسه و کوزه و
نظارت و عینده و اگر در خانه با باشد برای زن خواستن نیک بود و در نیم برای سفر بیشتر و اگر تکرار کند سائل
سفر حرکت کند و ضعیف زمین باشد و طالع سائل را انقلاب کند از حالی بجالی و دیگر و الله اعلم

احکام قبض الداخل

اگر در اول آید دلیل بر بدی نفس و ضعیف مال بود و اگر در دوم بود دلیل بر قبض مال و قدم غائب بود
با اعتبار سکن و با اعتبار ابرج بر زیادتی منصب و اشتغال بود و دلیل کم شده مال غائب برسد و در
بها کرد و اگر گواه سعد باشد دال بر شدن محل بود و اگر مقارنه بشود و زن جمیل بدست آید و اگر

بها کرد

مقارنه چو بود دليل بر بنگي کار بود و اگر غلبه کند دال بر حصول مطالب و زياره شدن مال
 بيافتن گم شده و در گذشته و زور بود و دال بر تبين خاطر در اول بود و تبين باطل شدن غم سفر
 باشد و براسه بيماري و شوس در خانه ششم و در آرد هم بد بود

احكام نسج

اگر در خانه اول باشد دال بر آمدن مطلب باشد و دال بر لذت و شهوت باشد و اگر در خانه
 ششم باشد بياشته و اگر غلبه کند دال بر ترديد خاطر و بدی سفر و حرارت مزاج و بدی علاج و طلب برای
 معشوق بود و حاصل بعد از صحبت بسیار فرزند زاید و از دست رفتن مایه و براسه شوق بفرزند نیک بود
 و در جنگ فتح باشد اگر یکبار تکرار کند همین حکم دارد و اگر بیرون همین آید قاصد دور رسد و اگر تکرار
 کند دال بر خوشی در دیدن نامزد و ستان نیک بود و حال فرزند بر بود و صحبت بیمار باشد از امراض دور
 سینه و قنخ و حرارت مزاج و خلاصی مجوس و حاصل زودی بود و اگر در خانه نیک باشد فتح جنگ بود

احكام نصره الداخل

اگر غلبه در روی مثل کند دال باران و برت آمدن بود و اگر در اول آید دليل آمدن مراد بود و
 سقوط حمل کند و حال بیمار و حامله سومی بود و اگر شریک این نشد بود دليل آمدن غائب و یافتن
 مال بود و در هر دليل آمدن فرزند و خیر بود و اگر تکرار کند همه کارها نیک بود و اگر یکبار تکرار کند بر آمدن
 غائب و خلاصی حاصل و ترديد خاطر و حصول نامه را دليل بودند و اگر شریک این باشد دال
 بر آمدن حاجت و تشنه کجای دیدن آمدن خلعت و هدیه و تحفه و نامه و زردیده و کم شده باشد

احكام نعتی الخند

اگر تکرار کند در خانه نیک بود و دليل خوشی و خلاصی حاصل و ترديد خاطر و حصول نامه بود و اگر
 یکبار تکرار کند نیک بود و اگر در هم بود حصول مطلب باشد و اگر غلبه کند دال بر جزوف و بدی در حقا
 است و سقوط حمل باشد و قصد گرفتن بیمار و اگر در ایام زیاد هم آید دال بر زیاده شدن عمر سال
 و مال و معاش زیاد شدن و ترقی جاه و مرتبه و دیگر این شکل فائده بسیار است براسه نکاح

کند دال بر سلامتی حاله و بیمار و زایل شدن غم و دیر آمدن غائب و سلامتی نفس سائل و سلامت
دشمن بود و الله اعلم بالصواب

احکام انگلیس

دال بر شخص خاک آلوده بود و درش و درش و درش
بیمار و حاله و مجوس بود اگر تکرار کند دال بر
بود و از امر احضار پیش و در دزانه و مقدر بود
بود چهار پای و نام برسد و دره بر اسه سفید
حاله

احکام عمد

اگر یکبار تکرار کنی بیماری حاله بود اگر لطیف بکین آ
کند دال بر ظهور امراض و گرسنگی و تشنگی معاش
شدن مردم در گورستان دیدی احوال ما
بود و در ۶ خیزن غلام و در ۸ بر اسه بیمار و
پیشانی دیدن و در اول دلیل بر آمدن غائب بود
دانشک بود و در ۱۶ دال بر غم دانه و تشنگی بود
ظرف و جنبه و اگر در خانه با شمشیر ای زن خوا
سفر حرکت کند و ضعیف بکین باشد دطاریع

احکام قبضه

اگر در اول آید دلیل بر بهترین نفس و ضعیف
با اعتبار سکن و با اعتبار ابرج بر نیادنی
پس با کرد و اگر گواه سعد باشد و ا

دم بود و درین بر بکین
و در اول کم شده مال غائب بر سر و
و اگر قرار نه پیشه بود زن جمیله است آید و اگر

این اشکال شریک؛ یوندر یعنی چو پت مراد حاصل شود و اگر ضعیف بود حکم بر سفر کند و در خانه نشین
 یعنی دره اسانزایج دلیل بیرون آمدن از نم و سنج بود و اگر شریک باشد دال بر بیداری یافتن
 از مراد سائل باشد و کم شده و اگر سخته بدست نیاید و اگر شریک بود دال بر بیداری یافتن حال بیار و
 حالت باشد و بی خوابی وضع کل شود و اگر در هفتم شریک این شکل باشد و اگر آنجا داخل بود دلیل
 که سائل برای نکاح سوال دارد و البته نکاح نشود و الله اعلم.

احکام جماعت

اگر این شکل غلبه کند در رمل و دلیل بر تنگی عمود و مواصلت و تحصیل علم و آمدن نامه حکام و بزرگان
 و تنگی حال جبار و باطل شدن عزم سفر و بستگی راه و بخت کردن با علمای و سعی و تحصیل علم و
 بستگی حاله و ضابطه و در معات جنگ بر بود و اگر در خانه بود و بیسار راید باشد و وره دال بر شدن
 نکاح بود و در خانه دلیل بود بر طفت املاک و بیخوری مادر و در خانه هد دلیل باشد بر بیکوئی
 حال علم و خواب و در خانه ابدال بود بر بیبودی شغل و عمل و بیبودی طالع حکیم و در ابدال
 بود در دوستی دوستان و بر آمدن امید و در خانه ابدال بود بر جمع شدن مردم و در ۱۳ دال بود
 بر نشوینش خاطر و در خانه ۱۴ دلیل بود بر فاقه خواندن و زهارت نمودن مقام بزرگ و در اول
 بود بر قبض خاطر سائل و مشورت نیک حاصل شدن و اگر از در شکل سعد داخل در پنجاه حاصل
 شده باقی مراد با سائل حاصل است و اگر در میزان از دو نفر خارج باشد بد بود و از تقاضا
 و منقلب در وقت افتد و در خانه ۱۶ دلیل بود بر فکر و تر و در خاطر و الله اعلم

منسوبات خانهای شانزده گانه زحل منسوبات خانه اول بطریق
 همین دایره که با اشکال ذکر فرموده است

یعنی که خانه اول چه منسوب است آبل قوت و ضعف طالع دوم اندیشه و فکر و دل بستگی سائل
 و میانه بودن احوال و کیفیت مزاج و اخلاط پاک و ناپاکی بدن و احوال دیدن روح و
 جسم و رنج و شادی و لاغر و درمهی و منبیه و عوارض بدن و بستگی و کشارگی طالع دقت

و پیوستن با کس و بدست آمدن کم شده است دبرای بیمار و حامله به بود و دیگر گواهی خارج
 باشد و نیز دال بود بر زن حامله اگر در اثنای اکتد و اگر در مستقبل اکتد حامله میشود و از امراض
 و در شکم و خون رفتن و مرض گوناگون و در دال جمع شدن با زنان و دوستی کردن با بزرگان
 و در ۹ آموختن علم و دیدن خواب خوش و رسیدن تخمه و پدید آمدن اگر چه مقاربت بود و مراد حاصل
 در همه کار شود و اگر در رمل حامله حاضر باشد ضرر و کول رود

احکام عقبه الداخل

اگر در رمل آید دال بر حصول مطالب است و از دست رفتن و زایل شدن غم و خوف و تردد
 خاطر در زیاده شدن رطوبت در مزاج و سلامتی غائب و حامله و محبوس اگر گزرا کند همه احوال
 سیاه بود و اگر در خانه سعد باشد همه طلب بر آید و اگر در زمین آید غائب زود برسد و اگر در دهم بود
 دلیل بر رسیدن خبر نیک بود و نیز جمع شدن مال از جناب زمان و از مجموعان فاکده دیدن
 و در خانه شوم بر خوشی حال برادران و خواهران بود و میباید که ساعلی دارد و در هر طریقه شش در
 بر آید و در خانه چهارم دال بود بر زیادتی اطلاق و زراعت و خوشنودی از جناب پدر و در
 خانه پنجم دلیل بود بر رسیدن تخمه و پدید آمدن و خط و خبر و اگر بشد شیک بود از مطلوب موصلت
 گردد و در خانه ششم دلیل بود بر نونی حال حیوان حشر و درندگان و کثیران و ضرر و سنگان
 و حال تو گری بهتر بود و بر اسب بیمار و حامله و حیوان به بود و اولی علم

احکام طریق (۱)

این در احکام پنج و شش و هفت در سفر بود و زایل شدن غم و خلاصی محبوس و بیمار و بجز راد
 شکم و خون و بلغم و در دسینه و تب و لرزه بود اگر گزرا کند دال بر تردد و خفا و توقفت حصول
 مطالب بود و اگر در زمین آید غائب و کم شده برسد و اگر غلبه کند دال بر برمی احوال بود و سوس
 وی اینکه اگر در خانه این شکل که پانزدهم است بقیه باشد در رمل و از دال داخل حاصل شده باشد
 دال بر رفتن و کس و جدالی است زیرا که شیک باشد که بجای او رسیده و اگر در ۱۰

و دیدن خواب و بد و نیک آن از این خانه گویند و دال بر چیزیست و فهم و فکر و مصلحت کردن
و احوالی آئینده بآل فتنه شود یا نه و از اعضا بدست و مسافرت خوب است اینخانه آبی است خانه مستحق

منسوبات خانه چهارم بطریق و اثره ابلح

متعلق بملک و مقام دارد و مقام سالی بر خانه میقیم باشد بسفوف و حفره اینخانه نسبت دارد و گویند
را بکاتب و ادب و ذکر و فکر سالی و مردم و گمان و تندرادی ملک نمودن وصال و فین و کار و پوشیده
و مقامه فضول اول سفر و مستقبل شوم و حال شکم و حال معده و نسیان و دو و احزون و
احوال خانه فود کشته و دیگر و بالا خانه و عرض مجلس شلاب فروش و نظافت خانه و جایی
نواب و آغزها و بار نیز یا شمشکگاه ساختن و چند کس در خانه آئینده و کسرت کفر خیر
و در بین شهر چند میزند و چند دونه شوند و حیوانات خانه که با شکل منسوب اما نیست بشمار نسبت
بقره است و از جوان چلپاسه و شمشه را نسبت بمار است و نیز جاس و ویران و شراب و چغ
را نسبت به عقر است و نیز مقام مسلخ و قبی گو سفندان همین طریق حکم کند و این خانه
خاکی است و خانه عطار دست و بدست و مقام شرف است و حال چاه کندیدن
و حال غار و سنگ از آمدن بچه و نجان گو فقط

منسوبات خانه پنجم بطریق و اثره ابلح

و اینخانه منسوب به چند چیز است اول فرزند و آن متعلق به نسبت دو هم معشوق و آن متعلق
به پن سست شوم خبر و آن متعلق به پس اگر سوال از ایشان باشد اگر این اشکال حاضر
میل باشند از نخوت و سعادت خانها و تکرار آئینده حکم کند و دیگر منسوبات اینخانه
متعلق به نخت است از و اثره ابلح و آن منسوبات این آند فرزند و معشوق و نشاط کردن
و شراب خوردن و لباس و خلعت یا بد یا نه و زیور و زینت و بوسه خوش و ناهوش
و شادی کردن و اقسام ساز و چنگ و غیره و شطرنج و ساختن نزد و عیش نمودن با هم
و محبوب و مهمانی کردن و تخمه رسیدن و نامه عروسی وزن را که با حشمه باشد یا خود طلبیدن

وضعیت بدن و روح و نفسی و ناخوشی زندگی و اشتباهی کار و احوال عمر و احوال امروز
 و هفته و ماه و سال و سوال بسیار است و معلوم کردن عالم و جهل و بیدار و احوال صدق و
 کذب و سکون و حرکت و صحت و مرض و غنا و فقر و غصه و غضب و احوال دل و سائل و سماع و بصیرت
 احوال صمدی و جواس ظاهر و حالت بر خاستن وقت صبح و دستار و رقع و آنچه بر سر باشد و از
 اعضا و روی و دماغ و ابرویش و مقصود و الاشیا و کوی شود خانه و هم را نیز بنجد چیز تعلق است

منسویات خانه دوم بطریق دائره ایدرج

این خانه منسویات بحال حاضر و نقد و عهد و عطا و رزق و قوت کینه و غذا چه خورده است پایه خواهد خورد
 بحال بیع و شتر و احوال خنجر و زشتی و کجلی و سخاوت و حال افتاد و بیه و حال جامه و لباس
 و مجارم و نامه طالب آید یانه و احوال عیش و شحاش و کسی نزد سائل آید یانه و با شکر یک سائل و آذوقه
 سائل و نقد و م غائب و حال ده او حال بهمان رسید یانه و احوال خواب و بیداری مرد و زن و
 احوال گویان که صادق اند و احوال شب رفتن و اسم حقی و تقاضای زنان و دل و غ دوستان
 و احوال رفتن و قوت غذا و نسبت مرض و فرستادن نامه و رسول و غنا و مزا میر و
 احسن فرزند ان و خرید و فروخت و حصول هر چیز و افزونی مال و دولت و نصیب است یانه
 و قرض زود و آید شود یانه و از اعضا چشم در یان و خلق قوم و طاعت کردن و این خانه را بهیت المال
 گوی نامند و با دیست و تعلق بمرح دار و فقط

منسویات خانه سوم بطریق دائره ایدرج

بر اگر این خانه منسوب بقتل حرکت نزدیک است یعنی بهر سایه رفتن در بنار و محروا و ابتدای عظیم و احوال شفا و
 عنان تو سن و کمال و رفتن لطافت دریا و قوت خانه و خراب و چراغ و احوال کوی و چه کین و غم و
 و استقبال و غیره و اختتام نیست و شود خانه بخر و تیز و آنچه هر روز در قفس و فساد و عبادت و بیدار
 و آبا دی مساجد و مدارس و معلوم کردن عالم و جهل و از یاد کردن درستی کار و خوردن مال و انصاف سازگاری
 و احوال اقربا و جهل و کمال درین گنبد این است و بدترین است و احوال بلاد و خویشان و آنچه در کار می آید

و درین

دخانه اعطار دوات

منسوبات خانه هفتم بطریق ازره ایچ

از خانه منسوب به عقد و کساح و دعوی و غائب و ضد وزن و شریک و کساح و قرض و موضعی که بدان خواهد رفت و مقام دیگر و صورت وز و تازگی و تری و ذلت و عزت و هفتنه و خانه مطایب بحسب دالرزه بزوح و خانه هفتت بیق و شرا و شرکت و خسوف و کسوف و باران و باد و زلزله و صاعقه و بیماری از نار و خانه هر یک که از آسمان آید و مقصد زن و مسافر و غائب معلوم و قرض امانت بدست آید یا نه و حال محبوس که کدام روز خلاص شود و حال حامله که کدام روز فرج حاصل شود و این حکم از ابو یوسف گوید و حال مقصد و میل دل چنانچه در خانه بیگانه باشد میل دل تماشا دارد و طبقات انسان متشکل الوجوه چنانچه فاسق و منافق و صالح و اولیا و اعلیٰ و آشنا و بیگانه و قریب و دور و قدر آدمی که در خانه آید و رویا و بیباید و اشکلی و یا از تکرار گوید و زود و سهولت به کار نیز همین طریق گوید و بهرون امانت و رفتن به ملاقات از شرکت کردن و حال محله و شهر دیگر و احوال آرزو و صاحب اوقات و قلم زن و قاضی و محتسب و عمد و قول و حال عرق شدن کشتی و طالع کشتی و ایتمانه متعلق به آید دل است و خانه راست

منسوبات خانه هشتم بطریق ازره ایچ

و این خانه متعلق بمرگ دارد و قتل وزن را بیت المال است و مال میراث و مال غائب و جنگ و عجاب و غائب احوال و خانه فاقه و خانه احوال تا تم و مزبله و چاه و زندان و زهر دادن و مال زن و سبب مردن و خواری رسیدن آمده و ذر و برده و تلف شده و خانه انگار اراده مردم پیش مال آید یا نه از زمین دیدن سائل را باشد و بول و غایب و ملغم و احوال مقعد و مردن و بیخ و ایمان از ضرب اول ششم گوید و بنامی بدن از دار و با و خانه دوکان و تصاب و شهر و دیگر این و نظرون و متور و خانه خاکسته و سوختن بنده و ان و احوال آئیده زمان و بدترین اشکال درین خانه بخش اند و از اعضا نرم و مثانه و فرج زن و ذکر مرد باشد و این خانه متعلق به خانه اول است خانه -

و فسق و فجور و صورت زن نیک است با پرست و طلاق دادن محل زنان انداختن وصال
 لذت و ثنوت و حصول کامرانی و صدق و کذب و کیفیت ذائقه و حالت مبی سائل از عیب
 وصال سوار بر بختی و ناخوشی فتن و احوال و دعوت و تماشای باغ و دعوت کردن و گشتن
 در بازار و بیخانه و حال اندرون دل و فتح شود بمانه و لذت آمل شرب با شرکات دوام گوید
 ماوکی و نری و نرزد و مستغرق و همچون خوزدن و خطا فرستادن و کتاب خواندن و بهترین اشکال
 و نجات بیست و بدترین اشکال و از اعضا پشت و سینه و پستان و اینخانه آشتی است

و خانه زنب است

میسوبات خانه ششم بطریق و اگر که ایدرج اعینست

این خانه دلیل بر بیمار و شاکر و ظلام و زبردستان و کثیران و میدان حرد دارد و این از است به
 بیند و ضائع شدن و اگر نخته و طپور و فسخ معامله و فاجری کردن و ظالم و علم رباغت و هر شکل که در این
 خانه که فعل بد دارد و خوف پیدا کند و احوال زن حائل و سپوشیده ماند بمانه و آفت سجاد
 و در پنهان کردن راز و احوال نوکر و نوکر و مال محمل و اتمام عمل از روز و ماه و هفته و اموال
 شده و بستن و کشادن مرد یا در کان و حال گرسنگی و شکم پیس و حال قوت باس
 سده از ناسکه و جا زبه و کوائف واقعه و احوال سر زنان و سر و حال کوتاه شدن و طراز
 شدن معاط و سپهر چایچه و بیخانه محسب تجربه معلوم شده که متعلق به موی خرمست و پن
 کل و در این باشد در سر و اگر بیخانه محسب داخل باشد و تکرار و اول کند خوف و فجوری سائل با
 و از منقلب دلیل انقلاب نمودن بیماری باشد که بعد از صحت باز رنجور گردد و دیگر بدترین
 اشکال و بیخانه براسه بیمار و است و بدترین اشکال براسه بیمار و اشکال خارج
 اند و در محک اشکال داخل نیک است و اندر علاوه بیمار و آمدن لبان و بیخانه به شخصی که رنجور بنا
 به بود و از اعضا دست راست بود و احوال زن گذشته و شوهر گذشته ازین گویند و مقام
 حرکت برادر و خانه هم سائل و علم و دیگر اعراسه پد سائل باشد و این خانه متعلق با

در یازدهم غوغا و فریاد آمد سر حاله و صحت از مرض من شود بیانه خانه شفا و هم خانه مرگ و کیفیت
 بجز طوفان و بر آمدن از غم در رسیدن بوصول دفاتر جهان و سخت و دولت و حاجت و کن دست
 سخت دختران و عشق کردن با زنان و شنا گفتن و خانه دزد را در و سارا و مردمان امیر و در آن فرزند
 و مرض فرزند و غلام و کینه که فرزند مال پادشاه و دخترانه مال مادر و مرگ پسر و گان برادران و معشوق
 زن و شوهر معشوق و خانه راست و دروغ دیدن و عده و مال او ستاد و بدترین اشکال در اینجا
 نشانی و از اعضا بقصد از آن و پای راست و از درجه با آبی است و نیز متعلق آب است
 و متعلق به زهره

مشروبات خانه دوازدهم بطریق دائره ایدرج

این خانه منسوب بزندران و موت و غم و نیت و دشنام و مقرون شدن دوروشی و بیمار
 قهیم خانه ساقط است و خون و مرگ فرزند و معشوق هم این گویند و خانه دشمن و تلخ گفتن
 و در جاه افتادن و جنگ و قتل و معلوم کردن و خسته نیک بد و بند و زندان و درین خانه
 شکل سحر محس باشد و خانه مرض زن و غلام زن در روزگار برادر و مفید و منسوب به مقبره
 و مقام گورستان و افتاد از منصب و کفش و جفت با پوش و خانه کفش دور و از اعضا
 پائی چپ و پائین پوشیده و با پوش و نیز پائی برهنه و این خانه متعلق به خاک است و از
 درجه آبی است و خانه زحل است و از درجه خانه مثنی است

مشروبات خانه سیزدهم بطریق دائره ایدرج

این خانه منسوب به طالب و طلب است و می نمودن در کارهای و پیش میون رفتن و معلوم کردن
 گشت و کرامات و طول عمر و زندگانی و حضومت زن و احوال محمودس بشکر است و دوازدهم و
 و عا مستجاب شود بیانه و حقیقت سعی و طالب سائل و خنبر او گواده اول و تخم و تخم و طلب هر
 چیز و امیر برادران و روزگار پدید و جاه و مراتب پدر و سفر فرزند ان و مرگ غلامان کینه کلمات
 و برادر و دوستان پدر و مادر و خانه یا برادر و اوستاد و مرشد را برادر هم ازین گویند و از

زحل است و ساقط است

مثنویات خانه نهم بطریق اثره ابرح

اینخانه منسوب به مفرطیات خواب و سبلی و عبادت و نماز است و عبادت نمودن بنودان و علم
 آزموخشن و احوال معشوق و حال اعتقاد سائل و احوال معلم ارشادت و هم گردید و حال
 فصاحت و بلاغت و پانکی و ناپانکی مردوزن و حرکت و سفر و دور کردن و جانب و مقام دیگر و بهر
 تشنگی زن و شوهر و حصول علم و دستور و کار و کار و خانه عقل و فراست و انفسون خواندن و خطبه
 و خطبه تکلیح و عقیدت کردن و ملاقات با شخصی شود یا نه و خانه تو به کردن انکارهاست بد احوال راه
 فتن کسی بدون و حال راست و دروغ معلوم کردن و قول و عهد یا یکدیگر گریستن و شرم خوردن زن
 و ریخته اشکال بران و غذا و از اعضا پشت و پهلو و اینخانه خانه آتش سوم است و بحباب در جبهه
 آبی است متعلق به زحل است و در وجه دارد

مثنویات خانه دهم بطریق واسه ابرح

اینخانه متعلق به عقل و تفکر و بار است و منسوب به سائل و سال و دوستی و پیر بخت و رفعت
 است و خانه مقام مردان و آفت آسمانی و سماوی و دور گار و رزق و چمن خانه و دارالعماره باشد
 و منصب و جایگاه طلب رزق کردن و علم آموختن و پیشه کردن و طالع مود و طالع حکیم و طالع پادشاه
 و قاضی و محاسب و طبیب مقام بلند و حال سماوی و غذا خوردن و حال بد زن و پدر شریک
 این گویند و غلام و نوکری و مرض معشوق و مرض فرزندان هم این باید گفت و خانه شریک و شوهر خالی
 و زن برادران و خانه و تامل و خانه گرم و نقره نایت پادشاه و غضب پادشاه از طالع سائل
 و خوش آمدن خیر و قاصد فرستاده را حال اینخانه به بنیاد سینه شکل در چنان است و خانه و
 از اعضا جگر و دل است و از زهره با زهره آب دارد و متعلق با دانت

مثنویات خانه یازدهم بطریق اثره ابرح

و اینخانه متعلق با مید و دوستان قدیم و نامه کتاب و نوکری و شکر در روز زن حامله اگر نه آید

باب سوم در بیان احوال متفرقات قاعده اول در بیان مزاج نقطه با از حرارت و سردی
 بدانکه استمزاج نقاط اول چون آتش و باد و آب و خاک مذکور است از آن باید فهمید که از اخطا طعن استمزاج
 بود اگر و چنانچه حرارت و برودت اشتراک نمایند رطوبت پیدا شود و در طوبیت و حرارت بیوست طاهر
 میکند پس این دو مزاج مقوی اند چون حرارت با بیوست و رطوبت مزاج افشاد و از
 طبیعت آتش بود او سردی را میگذارد از موافقت حرارت و رطوبت هوا زیرا که چون آفتاب بخت
 و گرم باشد و وزیدن بیهو گرمی محو شود و از چند آن بنا شود در هر نقطه باین محل اشتراک است
 چنانچه برودت را با بیوست مزاج او قناره و ایزد کل و علا بعد از آفرینش عالم از و اج حرکت
 و سکونت را در حکام مجید فرود است و زمین آبی شکیخت افکار و زمین بدست موجب است که گویند
 و سکونت را موجب برودت بیوست زاله از برودت و رطوبت را در آن در قوت قائل نهاد و در
 دو قوت مفعول هر چهار بنا مضمون فرمود پس قائل است بنا رو بود و او مفعول است بآب و خاک
 چنانچه مراتب گفته شده اکنون باز بدان که عنصر بر هر دو طبع است یکی در ظاهر و یکی در باطن
 و آنچه از گرمی و تر است دلیل کشاده کی است و آنچه از سردی و خشکی است دلیل آبی است چنانچه طبیعت
 آتش گرم و خشک گرمی در ظاهر و خشکی در باطن ظاهر و کشاده و باطن وی بسته آنکه کشاده کی است
 حرکت است و آنکه بیست است لطیف است و بیسین قیاس با گرم تر است قوی در ظاهر و گرمی در
 باطن و مزاج او سرد و کشاده یعنی ظاهر و باطن و آب سرد تر است و سردی ظاهر و در باطن و در
 مزاج بیوسته گفته اند بعضی باطن او کشاده گفته اند و ضد آتش است و خاک سرد و خشک است خشکی در
 ظاهر دارد و سردی در باطن و این هر دو مزاج او دلیل استکی است و ظاهر و باطن
 و این بسیار جای کار آید

قاعده احکام گفتن و حسب مزاج معتاد مظهر و باطن

اگر شخصی سوال کند که فلان کس از اخطا مظهر و باطن از سن چو چندین بی کشیده بنگرد که سوال آن
 کدام خانه سرد است یعنی اگر غیر چنانچه سوم سرد از برابر و خواهد و اگر در چهارم سرد از پد

اعضا زانو و اینخانه آتش سوم است و از وجه با متعلق به خاک است و متعلق به میخ است

مثنویات خانه چهاردهم بطریق دایره ایبح

اینخانه بمطوب کلی منسوب است که مطلوب سال را حاصل شود یا نه و وصال بمطوب ممکن شود یا نه و محبوب سائل میل با و او را یا نه و مطلوبه را خوا هیش عقد با سائل است یا نه چنانچه اگر با پیش میل نکاح دارد و تعداد جمیع و حالات آن و جمیع بوحشت بود یا با اقرب و سرعت باشد یا نه و حاصل کلام که دن و اقرار نمودن به شرک است ۹ و او ۱۰ گوید و حال حکم در عین و صحت و حالات شرح و تمیز از اتصال و انفصال و خانه درگاه و خدای عز و علا و نبینان علیه السلام معصوم و اولیا و این خانه گواه دهم و هشتم و نهم است و بدترین اشکال در اینخانه است و بهتر است و اینخانه از حساب درجه با خاک است و متعلق با د است و خانه نهمه است و مراتب با د و آب و خاک دارد که بگین چهارده میشود و الله اعلم

مثنویات خانه پانزدهم بطریق ایبح

اینخانه متعلق به احوال عالم از خود شر است و میدان الرل است و منسوب به جمیع امور و انتهای امور و محلی و مشورت و حالت و وصل جمیع و طریق او و معلوم کردن نصیب و قسمت و ضمیر سائل و از جوان چون نیک و شر و خانه که اما کاتبین و ضمیر کل را آنچه و قاضی الرل و اینخانه گواه سوم و هفتم و یازدهم است و بعضی اینخانه را ناقص انگازند زیرا که اشکال مراتب طاق را در خود راه نمیدهند و این خانه قراست

مثنویات خانه شانزدهم بطریق دایره ایبح

اینخانه منسوب به سخن گفتن کسی و عاقبت العاقبت جمیع کارها و جمیع نعمات و حال انتهای عمل از شرک است ۱۶ و گوید و عاقبت عمر از ۱۴ گوید و از اینخانه حکم ضمیر گوید و شدن و نه شدن کار و آغاز و انجام هر کار و اینخانه گواه چهارم و هشتم و دوازدهم است و خانه فرزند دشمن و معشوق دشمن است و خانه خاک است از وجه با و تقاطع

مثنویات

پدید آید در خانه خواب نقطه آتش مقرر باشد بگوید که نیم در خود بکشی و اگر نقطه آتش و باد هر دو باشد
 بگویند که اینها می و متحرک شوی مثل سوار شدن و دیدن دیو و پری و پری و مه بود بودن یا پری
 از آنکه در دریا آملق به علو و قفوت ام پس نقایات او برود عا نینان و مقام اهلی باشد اگر برسد که
 به چیز سوار شود نظر کند به شکل خانه نیم که در مزاج عناصر کجا تکرار کرده اگر در خانه آب تکرار
 کرده باشد حکم کشتی کنی و اگر در باد باشد بگوید که بسواری او ساط شوی او اگر نقطه خاک باشد حکم
 بر پیادگی کند و آتش مقام بند است و موسی سرازان بگویند و بعضی از زبان شکل که
 در خانه هم باشد این احکام از بعضی عیون خانه گویند و بگویند اگر نقطه آبی در آنجا نه باشد بگویند آهسته
 گریه کرده و نقطه خاک آب اگر باشد بگویند و اگر آن گشته نیمین طور شنا کردن و در آب و گرد آب شدن
 بملک دیگر رفتن و نقل از مقام کردن و خطا کردن و بجای مردگان دیدن و سخن گفتن یا ایشان
 هم برین نوع همه احکام بطور نشانهای مذکور میس که هر شکل در هر خانه حسب منسوبات گفته
 شده افتد شواهد را در این نقطه کرده جواب بگوید و پیشتر که در خانه سوال چنگل افتاده و تکرار آن و
 مزاج وی و عکس وی در کدام خانه است و از قبیل فراق است یا به وصال همه نگاه کرده
 و تمام شرایط را بجا آورده حکم نماید تا احکام را است آید و در این

قاعده منسوبات اشکال بصورتها که از روی تجربه معلوم شده |
 بدانکه این قواعد استادان کامل نیستند آنکه از زبان خود بگویند باطنی بلین بخت ارشاد
 فرموده اند که مال را در روز مرده برای نایب کرده کار آینه و بدون اینقدر ادرک منسوبات اشکال
 نایب رونق پذیر نمی شود مال را بیدل یاد کردن لازم است با نظر در

صورت بخیان و منسوبات او

صورتشکل دارد و صورتش شمع است و صورت جراح خوشبوی دارد و در فن باشد و صورت
 گوزه است و صورت خنده کردن و صورت چشم کشاده و صورت پیش و راناست و شمشیر
 نیز آری که در سینه پوشند و شمشیر که حلقه دارد باشد و انشعری که گلینه دارد و صورت

و اگر در چشم رسد از عشق و فرزند پس آنچه هر شکلی که باشد به بیند که کدام عنصر دارد اگر نقطه آتش باشد
 مگوید که ظاهر او کشاده است و بجنب اظهار است و باطن ندارد و اگر نقطه باد باشد مگوید
 که ظاهر و باطن او کشاده است یعنی هر چه در ظاهر نماید و باطن هم با این طریق باشد و دوستی ندارد
 و اگر نقطه آب باشد مگوید که ظاهر او بسته و باطن او کشاده است یعنی آنچه در ظاهر مگوید از روست
 بدی و باطن نیکو یعنی در دل مگوید و اگر نقطه خاک باشد مگوید که ظاهر و باطن او یکسان است
 یعنی هر دو نوع دشمن است پس با این طریق از عناصر احکام گوید و مشا لا قوا عد مگوید

قاعده ادب و وفای علم بطریق نقطه و عن ظاهر و باطن
 اگر کسی سوال کند که صحنی صمدی بند و گاه را دریا چه و موافقت بران نماید پس نگاه کند در دل
 اگر در خانه علم نقطه آتش باشد مگوید که از ابتدایش اندیش و عاقبت کار نیک و دو قاسی مگوید
 و اگر نقطه باد بود خود صمدی بند و استوار هیچ نباشد و اگر آب باشد اول صمدی بند و
 آخرت نماید و اگر نقطه خاک بود پس زمین کار آخر ثابت و مستقیم باشد و خلاصت مگوید و موافق
 را سبب العمل آرد و حقیقت نقاط دیده حکم نماید

قاعده حقیقت نقاط و طریق احکام او

در حقیقت خود نقطه آتش و باد خارج و علوی باشد و نقطه آب و خاک مطلوب است و حق
 پسغلی و از تو ازین جهت بیاض را ثابت خوانند و لیجان را خارج همبرین قیاس لون
 آتش زرد است که سفیدی بدن زرد و یاد سرخ است و آب به رنگ سفید طاق است و خاک سیاه
 مطلق میباشد و نقطه آتش را هر دو مناسک صامت خوانند و نقطه آب را پاک صامت گویند و نقطه
 باد را نیز صامت گویند و نقطه خاک را صامت بنده ازند مثلاً کفش مناسک نخک پاک صامت خوانند
 و پاک نخک گفتند و لیجان اسرار غایب است و آثار عجایب اگر عامل برین قانون عمل
 کند از جمله چیز مستغنی گردد و این مثال مذکور در جمله مجالس استعمال کن یعنی اگر کسی برسد که
 احوال آینه من اثر روز و هفته ماه و سال چون بگذرد مگوید خواب خوابی دید و آنچه در خواب

صورت این شکل صورت یفت النشان و صورت تخت و خطبه و صورت زمین و صورت سنگ و صورت چادر و لحاف و بالاپوش و غیره است و صورت چورا به و ویرانه ها خرد و بازار چار سوق ویران است و صورت تو و نه خاک باشد و صورت مرد فربه تن است و صورت حویلی و مکان است و اگر در خانه خویش از دوازه حرف نشیند مجلس خوشی گوید و اگر در ششم تکرار کند مجلس ما تم گوید

صورت فتح و مسوبات او پ

صورت این شکل گره چواری و آویزه گوش و کرن بچول از زبور زمان آنچه که بصف جسم اعلی میباشند چون حلقه ایمنی و از آلات مردان صورت این شکل شمشیر یا قضاة چوهر و ارغوان و شخصیکه ببینند و گوینده و سرانیده باشد و صورت ظروف همچو عطردان و خاصدان و این آن باشد و صورت سازتارت و صورت گل یا سمن دارد و صورت آن گل است که خردتر باشد و نسبت به تمام پانچ و بوستان دارد و چون بدوم خانه اطلاع زن نشیند گوید که طفل در آن خوش خود دارد و حال پوسه گرفتن و محبوب را در کنار گرفتن هم ازین گویند و صورت آلابچی و صورت لوز و جافل دارد و عرق گلاب و کیوژده هم ازین گویند و چون از دوازه حرف بخانه خویش نشیند گوید که اسم الله طفل دلیل بر نوشتن خط و نامه است و شادی تولد زنگ گویند چون خواننده شده و شادی زنا کردن و تقویه براس طفل نویساندن دلیل دارد و قذسیا هم ازین جنین و زائیدن طفل خوانده شده و الله اعلم

صورت عقده و مسوبات او پ

صورت این شکل کرده و عقده باشد و صورت گل است و صورت گولی است و آنچه که در بازار بند می بینند صورت آن چرب است و صورت آن شخص که پیاده مکرر است باشد و بار هم که نهاده است در راه میرود و صورت زینکه بار حمل بسته است و اگر در زانچه زن بسیار تکرار کند گوید که حمل دارد و مشوب بدین است و نسبت به شکم دارد و درم و آمانس و پیوژی هم ازین

کردن انسان هم این حکم کند و مشوب به کل حیوان غیر ناطق و رعشه بدن و آوازهای و دستک دادن اگر از اوله حرف بخانه خویش آید گوید که کاغذ میراث نوشته است و کاغذ نوشته است و جواب نامه نوشته است و هر چه نوشته است

صورت بیاض و مشوبات اول

مشوبات این شکل و صورت این شکل پاره سفید و حاجان و گاگران است و پانچه که پوشیده در بدن انسان باشد و صورت دندان و سفید می جسم باشد و نسبت به تمام و حاج سفید و ماهی آبی بود و پهن را مشوب کرده اند و صورت کاغذ بود و صورت دوزخ فروش باشد و هر چه که اشیای سفید رنگ فروشد و در سخن فروش و غیر فروش و پاره فروش و بی فروش بود و صورت دندان جانوری و بی رنگ و این نسبت دارد و صورت بر که در حوض و تالاب بود و صورت پسته و قاروره است و شکل اینها و اسباب طهارت باشد و اگر در خانه دوازدهم زایچه بود و در اسون کردن علم حکم نماید و اتصال کلی هم ازین گویند زیرا که نفاق سواد در زبان گنگ و رویدگی تمام هم ازین گویند و صورت امر حاکم آبی باشد ازین حکم کنند و صورت خر مهره و گوهر و نیزم و دندان مثل است و هم در این نسبت وارد اگر از اوله حرف بخانه خود آید کاغذ حویلی نوشتن بگوید و عبادت گاه رخصت بگوید و فاتحه دادن و نیاز کردن و مجلس کردن و تکلیف و صیغه خواندن از همین شکل حکم نماید و الله اعلم بالصواب

صورت نصره الجاح و مشوبات اول

مشوبات این شکل مقام بلندی و گویایی کردن به نقاد است و بینایی و دیدن آتش باشد و مشوب بخدای لقای غریب و بدل انسان دیگر است و نسبت به اشیاء که باشد بهر خوب و خشک کردن اشیاء در چنبرن میوه و بریان نمودن گوشت قورمه باشد و صورت زیور زنان است مثل نقره و نخله گل دیو و طلائی و صورت اسباب شای مست مثل چتر شاه و تاج و جواهر پیش قیمت و نسبت بجواب دیدن خانه دولت و تخت بادشاه کاخ و کل امر او و حضور او ان شای

گوید زیرا که صورت عقده ذکره ست و نسبت به رازها سے پوشیده دارد که شکل بسته است
 و صورت چاه تاریک خانه و دست و شکل قوس دارد و صورت ظرف همچو کراهی باشد و از
 انسان مردمان خدمت کار و حیوان خرد باشد و شخصیکه غلام بود و نرو باز و قمار با باشد و از
 نگر این بر ما سے بیمار بود و اگر در دهم و یازدهم خانه در رتل بیمار بود حکم مردن بیمار کند و نگار
 این دلیل بستگی کار با باشد و بر دعوی باطل کند و حکم بر لفاق تمام دارد اگر از آن گره حرفت
 بجاء خویش آید بگو که قاتل مرده کرده شده و یاد عا بر اے بیمار کرده -

صورت اکیس و مشروبات او

این شکل صورت مرده است و صورت شهر که و از کون باشد و صورت آن شخص که گفت
 در جای تاریک باشد و صورت مردی که کوه چشم باشد و انسان که بیوقوف و شرم آلوده است
 و صورت شکم ست و نسبت به موضع تاریک و گورستان دارد و صورت طاق آذینه دارد
 بود و صورت سدوی و از کون باشد و صورت شخصیکه دزد باشد و غائب بود اگر از آن گره حرفت
 بخانه خویش آید بگو که کاغذ شراکت و کاغذ غرضی زن خود نوشته و صیغه اخوت خوانده و قاتل
 بر طعام کرده و صورت این مردی آواز گنگ که هر ست و در طالع سالین بود

صورت حمزه و مشروبات او

صورت این شکل پارچه سرخ و بوسیدگی آینه گران بدان آتش می افروزند باشد و صورت زیور زینا
 که آواز میکند چون چمانه و پازیب و امثال آن و صورت طوق و گلوتندیم باشد و صورت ظرف
 مسی بی قلمی ست و صورت اسلوا که آواز کند چون ایتم و صورت بادبان گشتی ست و نسبت
 بجلاوان و جلاخان و همان فارو و منسوب به تراشدن و معتق ویران نمودن ست و نسبت
 به شخص جنگی دارد و صورت لب انسان ست و لب معشوق ترش رو باشد و قلوب هم از آن
 گویند و منسوب به فنا و خون و قصصیت و نسبت به مرگ هم دارد و ترس جیم پیدا کند و از طبله
 انسان به مزاج و تنه و درخت گوید و صورت گوش انسان و سوراخ بینی هم دارد و گونا

چسپیده باشد و شکل منحنی بیکی برین چسپید باشد و صورت انان که مرده شود باشد
 ست و نسبت به فریب منحنی دارد و خانه پنجم و صورت جاسه بر روست و منسوب به ابر چشم خام
 و ناقص باشد و صورت دلخ اسپ و موله و گورگابی ست اگر از دانه حرف بخانه خود آید حکم
 کند که مرده خوانده شود یا فانه مرده کرده باشد و نیاز شود و گریه کردن و مولود کردن و عمل سفلی بران
 عداوت کردن

صورت نثی الخذ و منسوبات او

صورت این شکل صورت دندان ست و نسبت بگردن دارد و صورت تشخیر دارد و با غلاف
 باشد و صورت بنجست و صورت انار نهدست و صورت بند که گویایی ندارد و گنگ مطلق باشد
 چون طوق و نسبت به کوه که شیر خواره و عقرب باشد و شفه که فیلسوف بود و نسبت به ناخن تراشیدن
 است و صورت پیشتر هم گفته آمد و منسوب به ناخوانه چشم است و شکل ظله که آنرا جوار گویند و
 میوه که گنده و داعی باشد و خار درخت کنار ست اگر از دانه حرف بخانه خویش آید گوید که اسم
 در نوک است و زبانه دانه نام طفل نهایت است و حاکم حکم بنویسد و خطم شد نویسد و اگر در نیم
 مریض رنگارنگ گوید که دخیل دریم شده بود و در آن پیشتر خورده و آن دخیل به شده و باز خورد کرده

و باز به خواهد کرد و باز وجود خواهد نمود فقط واللہ اعلم

صورت عقبة الداحل و منسوبات او

صورت این شکل آستانه اندرون ست و صورت سنج است و این شکل منسوب به
 چهار گانه معصوم ست و نسبت به پونشاک با و شاه دارد و نیز منسوب به تار می عروس
 و دام است و نام این سناوی و حالت نکل و احتشام ازین گویند و حالت شاری و
 نرینه با و شاه و پیر زاده و او ستا و زاده ازین نسبت دارد و این شکل آسینه رمل ست پس
 بهر جا که طلب باشد ازین حکم کند و قلوبه فانه هم ازین گوید و خلوت کردن با هر کسی گویند
 و نیز اگر در خانه این شکل که چهار گانه باشد شکل خاکی آید خلوت کردن گویند و صورت منسوب کلی است

باشد و تغزل و مصاحبه نمودن و در دل گم خواندن و قرآن خواندن و عرضی بر باد شاه نوشتن و بحساب
و انزه اصح کاغذ کلاخ نوشتن نیز حکم کند و اما ازین قاعده اسم نویسی روزگار نوشتن و نویسی این
ازین گویند و الله اعلم بالصواب

صورت لثوه اراخل و مسوبات او

منسوبات این شکل بر شصت ستانیدن و وزرات و هر چه پیدا کردن بزور کار باشد است و منسوب
به نیابت بادشاه و فرزند آئیده است و بادشاه آئیده است و نیز بیادشاهی که مغزول از حکومت
شده باشد و بجای او دیگر حکم گشته باشد و منسوب به پارچه که کسی تخفیه فرسید و مردم اشتباه
قدیم و محبوب قدیم نسبت دارد و منسوب به انضاطه روز زنده انضاطه بادشاه یا فتن باشد و طعام آمدن
از طرف مالک خود نسبت است و نفع و نقصان کارخانه و شقای بیچاره این نسبت ازین شکل است
و صورت این پارچه کلین زرد و سحر زنده باشد و نیز رنگ طلایی و صورت باسی باشد و صورت
رنگ لباس دزد و در پیچیدن خود وزن محشوق هم ازین گویند و مرگ پاره خود هم ازین نسبت
ست زیرا که از چهارم مالک ششم باشد اگر حرف قوت کند یعنی از انزه حرف بسکن خویش باشد
حکم بر کلام الهی خواندن کند و جوشن کسب و جوشن ضعیف خواندن گوید و حکم بر نامه نوشتن دوستان کند
یا خدادست حکم کند که می آید چون زنا بچهره یعنی ابو و غلاب

صورت عبته الحاج و احکام منسوبات او

صورت این شکل با پیش ست و پای چپ و صورت با بطن مطلق باشد و صورت جرم فوق
هم ازین گویند و عمق این و هر چیز ازین دریافت کنند و کل نیزه و بند درین و سوزن و شتر قیل است
و نسبت به جرم دوز و کفش و وزیم دارد و خار خشک را صورت گفته اند و صورت کباب کله ای
و صورت و شکله و هر چه بر بیان باشد و صورت پای برهنه و صورت دانه بر برون حویلی و صورت موم
چانه و داغ دادن و صورت داغ جانور است و منسوب به گویای بیوده است و صورت
چشم که سیاه بود و جسم سیاه باشد و منسوب به زهر خورن است و صورت آن جسم که زاهدین

بود و از منگوبه جماع کردن باشد یا جماع آنوقت کرده است که پیش ژبال سائل آمده است
 و صندوق مرده را صورت سنت و صورت خدمت سلف و صورت دو بیگ و پلاره است و
 نسبت به نقاشی و صورت دارد اگر از خانه خود یا از کوزه حرف بسکن خود باشد حکم به نوشتن کاغذ انصاف
 مقدمه داراضی و راضی نامه کند و نیز نوشتن کاغذ نکاح و مقابله نمودن کتاب گوید و هم زانچه
 کشیدن در بل دین حکم نماید و فرموده که اگر انداختن و تقویم سائل ساختن بگوید و الله اعلم

صورت طریق و منویات او

صورت این شکل صورت انگشت و صورت شیره است و هر چه که در از با شده است باشد
 چون رسن و بنیم و امثال آن و نسبت بزنج انسان دارد در بل این شکل بهر خاند که
 آید مزاج انسان بهمان خانه بگوید و صورت انسان کشیده رواست و شویب شاهزاد
 است و صورت نه در سایه جاری است و بارچه نجان را شویب کرده اند و او را هر بریان
 و غله تخم چهار از سن گویند و صورت رشته و سوت است و صورت عنبرال در بنم جوی و کند و
 نقیب باشد و نسبت به گا فرود جا سوس و دندان است و شخصیکه کاغذ میسوزد در نگبر
 رد و غرض و شیر فروش و برکه کار آب میکند و شویب به طایه دیار درگ انسان است و نسبت
 به قلمی و نقره و سیما به پنج دارد و حال آب از نیک و بد آب نوشیدن و باران از آسمان
 باریدن هم ازین گوید اگر از کوزه حرف بخانه خویش آید حکم بر خار غشی ترک طاقات نوشتن و نامه
 بقاصد دادن است و اگر در حال سفر در زانچه باشد حکم به نبودن سفر کند

قاعده مجرب در باب غسل کردن

اگر لیا از طالع در خانه پنجم تکرار کند و از آنجا در ششم مکرر شود و بگوید که غسل کرده و بارچه
 نویسد که دین بر شکلیکه از طالع در نهم و پنجم آید همین حکم دارد و اگر لیا در طالع ششم نوشته در
 نهم تکرار کند بگوید که صرف غسل نکرده بلکه سرشویب کرده و بارچه را تبدیل نکرده و اگر شکل طالع بعد
 باشد و در خانه های شش تکرار کند بگوید که تکلیف بالین خود را حلالت نوشتن کرده و الله اعلم

و حال عاشق از ۱۳ اگوید فائز این شکل صورت عصا سے چوبدار است که آزاد آنا گویند
 و صورت ستون است و نسبت به دو طاله دارد و نسبت به پارچه عمده است که امر این پوشند
 و پارچه بهتر که هم از این گویند و منسوب به خلعت یاوشاهی است اگر در زانجه بافتن خلعت
 حاضر باشد خلعت نباید و نحو بصورتی دو طاله و دهن و حسن آن کس که بعد نکاح و چوختی
 آید و این شکل گویائی مطلق باد باشد و صورت مردی که تمیز دارد و نسبت به سید و مشایخ
 و پیرزاده و حافظ و زاهد و عابد دارد و شخصه که نکاح و نذر و نیا کرده و نکاح زن کرده و خط
 خوشی از جانب مطلوب نوشته باشد و اگر در چهارم خانه رمل آید بگوید که پیرزاده و مرد که بزرگ
 باشد و خاندان سائل آید و اگر از دائره حرف بخانه خوشیش آید رفته شاد می نوشتن حکم کند

والله اعلم بالصواب

صورت اجماع و منسوبات او

صورت این شکل مستدق و بیچیزه که از اندرون خالی باشد و سپوش داشته باشد
 است و صورت جنازه است و صورت جامدانی خریط باشد و صورت کشتی باشد
 و خوان پوش است و صورت چوبراهه و احاطه دپتاره و جزوان کتاب باشد و در واره
 شهر و تالاب هم ازین گویند و صورت کشتی در یاد چهارست و صورت جال و کرتی باشد
 و جالی و چهارخانه باشد و صورت حوض و پارگی و کرکله باسه است و صورت پارچه که
 هفت رنگ باشد و صورت گرد یا که دختران از آن بازی کنند و نسبت به بخت تراش دارد
 و زیب محفل و آرایش شادی هم ازین گویند و منسوب به نکاح کردن و ملاقات نمودن
 و با هم جفت شدن و نعل گیر شدن باشد و صورت چوبه و فنس است و صورت رتخ و هونج
 و عمادی نیل و شتر باشد و منسوب احوال چشم و یک چشم و جھوله زده است که جسم قائم باشد
 و در طعام صورت نان که پرت دارد یعنی پراکله و منسوب به حیوان آبی را مقید کردن و
 کتاب نوشتن و کاغذ نوشتن و قلمه گویی کردن و چون در سیم آید شریک و مدعی وزن دانشند

اگر فرج در خانه سوم آید گوید که طفلان بزور و از بهای کنند و عدد دروازه مکان از تکرار شکل سوم گوید
 و نیز بالا خانه از خانه سوم گوید و اگر در طالع اول جماعت بود یا در سوم آید اغلب که مکان بالا خانه داشته
 باشد و خود هم به بالا خانه بنماند و اگر لجان در خانه اول و چهارم باشد گوید که آمد و رفت نیر و بالا
 مکان داری و حالات قطعه جات مکان انجدرول صاف است کند که چه خانه منسوب انانان حکم کند

احوال مکان از خانه چهارم ۴	بالا خانه از اول دوم و از ۳	بیت الخلاء از خانه هشتم و از دوازدهم ۸ ۱۶	والان خانه از خانه چهارم ۴
بهرای بکین و بسیار که آنرا کوچه می نامند از پنجم و سوم ۳-۵	دروازه مکان از خانه سوم ۳	صحن مکان از خانه دهم و دوازدهم دوم - ۲	باورچی خانه و توشک خانه از خانه دوم و پنجم و دهم
چاه خانه از خانه دوازدهم و از خانه نهم ۹ - ۱۲	سمت مشرق خانه از خانه اول یعنی از جاس طالع	سمت مغرب مکان از خانه هشتم از جاس طالع	سمت جنوب مکان از خانه چهارم آن جاس طالع
دست شمالی مکان از خانه دهم	و والان مشرقی را همه دست راست و چپ و از دهم دوم اند	والان جنوبی را همه بکین و بسیار چهارم بکین پنجم بسیار	والان شمالی را راست همه دهم است و دست چپ نهم است
والان غربی را همه و چپ نهم راست و هشتم دست چپ	دوالان روبرو از خانه مقابل	و آبادی مکان از ساعات خانه چهارم و شکل خانه کند که	و بهتری برای سالی و سزا داری از اول و طالع

قاعده در باب طلبیدن کسی سائل را

اگر کسی سوال کند که فلان کس یا فلان زن مرا طلب کند یا نه پس به بنید و زانچه اگر در خانه به چشم شکل سعد داخل باشد و نظرات بهم نیک باشد حکم کند که طلب داشته شوی و اگر از چشم شکل در خانه ای اشیاء تکرار کند کسی پیام برای طلب کسی آورد فقط

قاعده در باب ملاقات شدن با کسی

اگر کسی سوال کند که نزد شخصی میروم از ملاقات شود یا نه پس عمل کشیده به بنید اگر شکل نیک در سکن خویش باشد و بار خانه هم باشد البته آن شخص که براسک ملاقات او سائل وقت میخواهد در خانه هست و اگر در سوم و پنجم شکل نیک تکرار کند آن کس در خانه نیست اغلب که در راه با سائل ملاقات شود و علاوه بر این ملاقات نشود

قاعده در باب خرید کردن چیزی و آثار او

اگر کسی از اسب ذیل خرید کردن یا چیزی باشد سوال کند پس نظر کند در زانچه و شکل خانه و سوم که کسیر سائل است و شکل خانه پنجم ضرب کند اگر نتیجه سعد داخل بود و ناظر بر طالع سائل باشد البته عزیزین شود و مبارک بود و اگر نتیجه شمس باشد حصول نگرند و در شکل اول با شکل خانه چهارم ضرب کند اگر شکل سعد بر آید ماضی آن اشیاء نیک بود و شکل پنجم در باب پنجم ضرب کند اگر سعد شکل باشد مستقبلاً آن اشیاء است فاما شرط است که اشکال متولد در ضرب پنجم و دهم و غیره آنچه که گفته شده حاضر عمل باشد و اگر حاضر عمل نبودند احکام نکند و اگر از احوال حال طالب دریافت کند باید که اروتقارین یک شنبه بر آورد حکم کند اگر سعد باشد حکم بر سعادت کند و اگر شمس باشد حکم بر سختی است

قاعده دریافت کردن احوال مکران

برای دریافت حال مکان باید که احوال این از خانه چهارم دریافت کند اگر ناچار شکل سعد باشد حال خانه نیک است و اگر شکل شمس باشد احوال خانه بد باشد و در وازه مکان از خانه سوم گویند

پس از هر چه که سوال کنند ازین مسوالات حکم کند بر سعادت و شقاوت اشغال حکم نماید

قاعده موافقت بزین و غیره و میشود یا نه

درین سوال به بنید دریل اگر شکل آتش در خانه اول باشد و در خانه دوم موافقت تمام در قران
 مدت سوره تمام است و بایداری هم و با هم محبت باید از تمام است و اگر شکل بادی در طالع آید شکل آتش در
 هفتم نشیند حکم دارد اینچنینکه مذکور شده و اگر آب در طالع و خاک در هفتم شود تا هم موافقت میان
 زن و مرد باشد و قران السعدین است و اگر در طالع آتش باشد و شکل آب در هفتم قران نشیند
 همه عریض و جبال باشد و با هم سازگاری و بر خورداری بنا شود هر گز موافقت در هر دو نیاید و در
 هر دو یکی زود ببرد و اگر در طالع آب و در هفتم آتش باشد هم ضدیت عناصر است و بد است چنانکه
 در اول مذکور شده همین حکم دارد و اگر در طالع آتش و در هفتم شکل خاکی بود این قران زن و در هفتم
 سادی باشد ولیکن خیال فرود زن حیدر حکم نماید اگر در آتشی در اول است و آبی در هفتم پس این
 قران و سازگاری بد است و هرگز بنا نشود و اگر باشد می رود اگر کی آبی و در هفتم خاکی باشد اول بسیار
 اولاد بود و مرد و در اندیشش بود زن در تمت اوست اگر فقط شکل اول دارد آن مرد و در زن
 دارد اول زن آن بسیار و در دیگر اولاد نشود و اگر در طالع مرد شکل آبی باشد و در خانه
 هفتم شکل خاکی باشد تا هم با هم موافقت گردد که ضدیت عناصر است و اگر هر دو طالع یعنی در اولی
 و هفتم شکل یک عنصر که آتشی یا بادی باشد نیز خوب نیست اولاد نشود و از آب و خاک هم حکم است
 و باید که از ضدیت عناصر هر دو حکم کند یعنی اگر بر کسی که با برادران و خواهران ازین موافقت نشود
 پس اول و سوم خانه دریل را بنید اگر اشکال ضد العنا نشسته اند چنانچه بالا ذکر رفت که یکجا آتشی یکجا
 آبی از خانه در برادران جنگ و جدال و خصومت واقع گردد همین طور از خانه یکوید یعنی اگر از زن زود
 پرسد خانه هفتم و طالع را بنید اگر از موافقت در برسد طالع و چهارم را بنید و اگر آنکه از سنگین چهار
 اشکالی را دیده و در وقت آن از در آنکه سنگین عنصر دیده حکم نماید و شرح در آنکه عنصر کوچک و بزرگ
 باشد و چهارم تا هفتم آید و نیست

باید

شکل	ط	ی	ا	ب	ج	د	ه	و
اعداد	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

باقی اعداد عشرات الوت و مات الوت الوت الوت بهمین طور قیاس نماید و درین مقدمه اعداد عن صد الزاویه اص بسیار یکجاری اید و تسکین این هر چهار دایره از ضرب عن صرت چنانچه لیجان که عنصر آتش دارد آنرا با دایره اص ضرب نموده و اشکال حاصله را تسکین اص مقرر نموده و صوره که نقطه با و دارد آنرا از دایره اص ضرب نموده اشکال متعلقه را تسکین عشرات مقرر نموده و بیاض که نقطه آب دارد آنرا با ضرب اص اشکال نتیجه را تسکین مات مقرر نموده و آلیس که نقطه خاک دارد آنرا با دایره اص ضرب کرده اشکال حاصل شده را تسکین الوت مقرر کرده و چون عقده که نقطه آتش و خاک دارد بیچ از ضرب آن دایره احاد الوت مقرر نموده زیرا که آتش احاد و خاک الوت است و مثلاً لایک تسکین احاد الوت بیچ و بیچ تسکین احاد الوت مقرر نموده و خاک هم بیچ دارند و آن تسکین بیچ

تسکین احاد الوت که بعضی آتش و خاک متعلق است

شکل	ط	ی	ا	ب	ج	د	ه	و
حرف	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ق
اعداد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال	ط	ی	ا	ب	ج	د	ه	و
دایره	ط	ی	ا	ب	ج	د	ه	و

شکل	حرف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
حرف	ص	ض	ع	س	ن	م	ل	ک	ح
اعداد	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰
شکل	حرف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
حرف	ن	ع	س	ن	م	ل	ک	ح	ص
اعداد	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷

تشکین آت که بعضی آب متعلق است

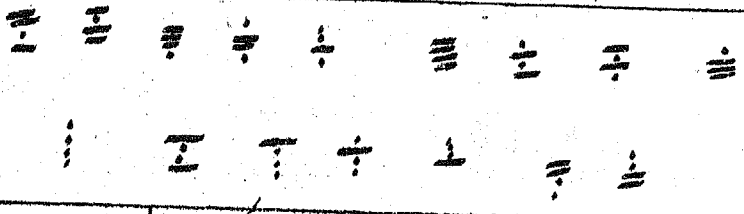
شکل	حرف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
حرف	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ص
اعداد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
شکل	حرف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
حرف	ظ	غ	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ
اعداد	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷

تشکین الوت که بعضی خاک متعلق است

شکل	حرف	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
حرف	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
اعداد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
اعداد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹

۱۳۶

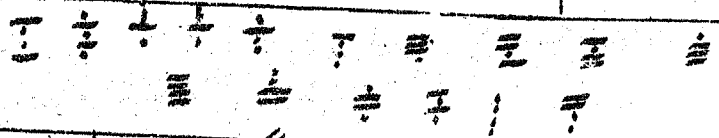
دائرة سکن که عمل میندیان برانست



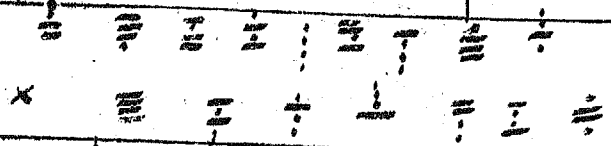
دائرة صبح که مضربان بران عمل کنند



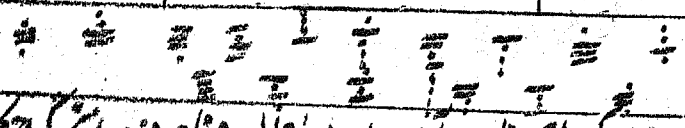
دائرة وانیالی که در عمل این قسمت



دائرة پنج که برای عدد گفتن پیشاید



دائرة صده که چهار شکل آن بفرمودند



دائرة حرف که برای نام بر آوردن اختلاف و نام دزد و آنچه که احکام

حرف اصداو	ص	ی	ک	ل	م	ن	س	ع
اعداد خانها	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

پس اینقدر طالب را بس بود و دیگر تسکین مائت الوف و الوف الوف و الوف بعضی لداخل است که فقط باد و خاک و آبر و پس عشرات الوف که در همین طور اعداد و در بجز آورده جواب گوید و از ضرب نقره الداخل باد الزه اصح مائت الوف بر آرد که لقط آب و خاک دارد و از ضرب طریق باد الزه اصح الوف الوف را تسکین اعداد ساخته حکم بدت نماید تا راست آید و دیگر استادان این فن قریب بکار دو ال با مقرر کرده اند

قاعده در دانستن اثره های رمل که بهر جا ضرور بود

بدانکه درین علم هر که دو اثره رمل نماید مثال برنت و استادان بستانند و هزار دو اثره را در فرموده اند قاعده درین مختصر بچشمش بیان آن جمله نیست فی المال آن دائره یا که مثال را بدون دانستن آن چاره نیست زیرا که اگر آن نداند حکم نتواند کرد پس آنرا بیان نمایم و آن اینست که چون بقاعده اشکال حکم کنی دائره سکن و دائره و انبالی و دائره اصح را یادگیری و بهینی که اینین و دائره با اشکال مالک که ام خانه اند پس به مشروبات خانها بحساب دانسیالی یا سکن یا اصح هر چه ترا مستبرزاده تر افتد حکم کنی و چون برین یک دائره عمل کنی همراه او دائره مزاج و دائره حرف و دائره روز و ماه و سال و دائره بزوح و دائره عدد و دائره سفر و غیره یا آنچه ضرور باشد یاد کنی و در زانچه نظر کنی که بحساب دائره عدد و یا حرف و غیره شکل بسکن چنین نشسته است پس اعداد آن شکل یا حرف یا روز و ماه و غیره گرفته حکم کنی و چون بحساب نقطه خواهی که حکم کنی اولاً دائره ایچ یاد کنی و براس عدد گفتن آنچه که شرح اعداد عناصر بالاند که گرفته شده و مرا تبه بستگان آتش و باد و آب و خاک یاد کرده و آنچه در آن که دین طریق ضرور باشد و رو نماید و یا چندده و اثر که بطریق اشکال و نقطه بکار آید بکجا یا درینجا و نیز بسم که بران عمل کند

۵۸

تسکین سفر که برای حرکت نمودن یگانگان است								
☰	☱	☲	☳	☴	☵	☶	☷	☸
☷	☶	☵	☴	☳	☲	☱	☰	☸
و از راه روز و ماه و سال که برای مدت است								
☷	☶	☵	☴	☳	☲	☱	☰	اشکال
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	اعداد روز
☷	☶	☵	☴	☳	☲	☱	☰	اشکال
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	اعداد روز
☷	☶	☵	☴	☳	☲	☱	☰	اشکال
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	اعداد ماه
☷	☶	☵	☴	☳	☲	☱	☰	اشکال
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	اعداد ماه

نوشت و خواند کند برین عمل کند

نوشت و خواند کند برین عمل کند								
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	اشکال
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	حرف
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	خانهای کن
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	اشکال
ا	ب	پ	ت	ث	ج	ح	خ	حرف
۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	خانهای کن
دائرة مزاج که برای دریافت و بکار آید								
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	اشکال
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	اشکال
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	نام روز
دائرة شرف اشکال که قوت شکل از آن بینند								

تشکین حرف که حاجی حسن طبسی بران عمل نمود							
اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
حرف منوط	ا	ب	ج	د	ه	و	ز
سکن اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
حرف بی منوط	ح	ط	ث	ذ	ر	ز	س
اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
حرف منوط	ا	ب	ج	د	ه	و	ز
سکن اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
تشکین عدد که حاجی حسن طبسی بران عمل نمود							
اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
اعداد اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سکن اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
اعداد اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سکن اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷

اشكال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اعداد سال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشكال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اعداد فائنا	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

تسکین نخست که در احکام ضرور بود اینست

اشكال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشكال سکن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشكال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
سکن اشكال	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

تسکین سعادت که در اشتران واجب است

اشكال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشكال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشكال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشكال	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

آن زینب است باقی

در مخالفت هجتم بودن خوش است	با حرفت هم جنس کم بودن خوش است
هر که سالش خورد آن دشمن خوش است	در عدد و مهر دورا یکسان یک است

یعنی هر که اعداد کم باشد همان غالب است و بالعکس هر که بیشتر است همان سست است
قاعده برای دریافت محل زن که وارویا نه
 اگر سوال کسی کند که فلان زن محل دار و یا نه اگر اشکال داخل در زاینجا بسیار غلبه کند و اکثر علیها اشکال آبی باشد بلا شک زن محل دارد و اگر خانه ششم زاینجا خارج بود شکل آبی یا عقده ناظر بر طالع بود تمام محل دارد و عقده در احکام محل اینکه صاحب خانه ششم عقده است اگر حاضر در محل باشد و اشکال داخل در نظرات منظور باشد حکم محل کند و اگر عقده حاضر در محل نباشد و باطن زاینجا تلاش کند و اگر در باطن غلبه باشد و اشکال آبی موجود در طالع باشد و خانه ششم داخل بود اغلب است که زن بچه در شکم دارد و بعضی حکم بچه داشتن در شکم از فرج بچه میگویند یعنی اگر بچه در محل بود حکم بچه کند و اگر بچه نباشد بچه حاضر باشد حکم بسته شدن جن در شکم و اگر بچه در شکم یعنی بینه و بینه بودند زن بچه از او اگر در بینه بود زن محل ندارد و اگر صرف اشکال آبی در محل بودند خون حین بند شده است محل نماند و اگر در بینه اشکال بخانه سعادت باشد نماند عمل مانند الله اعلم بالصواب

قاعده در باب احکام قوت اشکال بخت

هر کس سوال کند که خط و ام فلان نوشته شود این حکم از قوت حرف گوید اگر سوال از آمدن فرمان پادشاه بود از قوت حرفی گوید و قاتل خواندن و مجلس امام کردن از قوت حرف گوید و گاهی کلام الله خواندن و رفته نوشتن و بسیار مقدمات از قوت حرفی گوید که بسیار مطالبی آفتد و بجزیه عظیم از قوت حرفی میباشد و اگر صیبه الدواخل در طالع آید و عقده در خانه اول قوت حرفی باشد ضرر و گوید که بر سر شاپا کرم فراید و فاضل شدن و بسم الله خواندن از قوت حرف گوید و نیز استادان نامور شدن نیز از قوت حرف گوید و حال که اشکال جلیج که شکل عطار دست

تسکین بید که برای احکام نقاط یکامی آید

اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
سکن اشکال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
اشکال	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
سکن اشکال	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶

و دیگر در اول مراتب هشتادگانه استادان این فن آنچه که نوشته اند اینجا یاد کردیم زیرا که مدار این علم بران دو اعراس است ازین سبب در هر کتب مذکور است فاما طالب را آنچه که در اول مذکور کردیم پس بود الا لازم و ضرورت آمده که از مقدار آنرا بازماند مزور یا کند فقط واللہ اعلم بالصواب

قاعده در یافتن غالب و مغلوب

اگر کسی سوال کند که ازین اسمین کدام غالب شود در شنا یا جنگ عینه پس می باید که اول ریل زنده و بعد اعداد اسم هر دو معاینه بکند تا ببیند که کدام طبع در آنچه که عدداتی مانند آنرا باشد در ریل قسمت سازد هر چقدر که عددی باشد آنرا در نگاه کند اگر آنرا نتواند طاق است پس نگاه کند که اعداد اسم غالب بر آورده است اگر اعداد اسم غالب طاق اند غالب را فایده است و اگر اعداد اسم مغلوب طاق است مغلوب غالب دیگر هر جا که اعداد متقی شده اند از آنجا حکم کند از قوت و ضعف شکل در کماله هر دو اسم جفت اند هر کرا اعداد اسم در شمار کم باشد همان غالب است و هر کرا زیاد از آن مغلوب

قاعده برای خلاصی مجوس از زندان

اگر کسی سوال کند که فلان کس کدام روز خلاص شود این قاعده هم مثل قاعده غالب و مغلوب است یعنی اعداد روز سوال و نام سالی هر دو جمع کرده سه طکان طبع در آن طاق ماند روز و خلاص شود اگر جفت ماند بر تمام خلاص شود درین امر شاعر سه رباعی تصنیف کرده که بر این قاعده ذکر کرد

و تبصير الداخل را با جماعت که مالک چهارم است چون ضرب کردم تبصير الداخل حاصل شد همین طوری
 آخرش از زده خانه ضرب کرده از آنچه باطن درست ساختم نگاه کردم بر سوال سائل پس در خانه چهارم
 در ظاهر و باطن هر دو نشسته و مالک خانه چهارم در باطن بطلان نشسته و چون تبصير الداخل شکل مال درست
 و جماعت در طالع است گفتیم طالب مال از جانب پرستی چه که مال بدر خانه پنجم است و آنچه نشسته
 و در خانه ششم نیز چه موجود است و دیگر اینکه مالک خانه پنجم در خانه دوم رفته مال سائل نشسته از جنبه پنجم
 که طلب مال پروری و در آنچه باطن در خانه پنجم نشسته و در خانه اول شکل که شکل طالع است و
 خانه یازدهم خانه امید است و مالک آن در پنجم رفته مال پرگشته ازین سبب گفتیم که امید از مال پروری
 و از یک و زراعت ترا فایده رسد این حکم از پنجم گفته که شکل آفتاب شکل سعد داخل است و در باطن و
 در ظاهر نشسته ازین سبب فایده از یک رسیدن گفته پس همین طور نظرات و اوقات دیده احکام از
 ظاهر و باطن کند و گویان رسل را نیز بنیادنا راست آید و بعضی در احکام کردن شکل طالع را با شکل
 مقصود ضمیمه میکنند و شکل متولد را بنیاد نیز در رسل است با بنظر و شیخی اگر بنظر و شیخی است حکم بر آن
 مطلب بلا مشقت میکنند و اگر در خانه ای ساکنند و تریج آن شکل باشد حکم بر عدم حصول مراد خواهد کرد
 و اگر حصول بعد از تریج و شود پایدار نباشد زود از دست رود و اگر شکل متولد مذکور در رسل
 نباشد در خانه سکن او نگاه کند آنچه آنچه که شکل نشسته باشد اگر نظر سعد و بدوستی است بهتر است و
 اگر نظر شخص دارد است و او بی حکم کردن اینست که چون شکل متولد از ضرب طالع و خانه مقصود
 در رسل نیست مطلب سائل هم نیست یعنی اگر شکل عدم است مقصود هم عدم است و در طریق احکام
 نمودن و جواب بر سوال گفتن خاصیت اشکال را اگر در آن خاصیت با بنظر و شیخی باید که در
 خاطر آوردن قلیل باشد و دلالت بجهت اشیاء عالم کند و مثلاً خاصیت و دیکر شکل بطریق چه که
 نوشته میشود که جلوسه بجهت منوبات حسنه سوال باشد مثلاً در خانه دوم که خانه
 محاش و مال است آنچه در رسل حکم دارد و چه در رسل نیست

☰	☷	☱	☲	☴	☵	☶	☸	☹	اشکال
---	---	---	---	---	---	---	---	---	-------

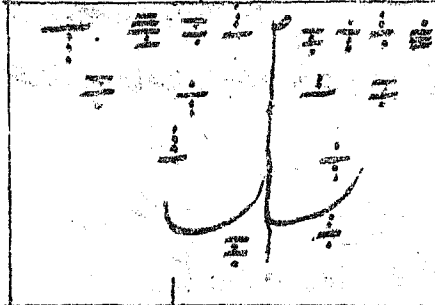
مکتوبه و بهر آنکه در خط را با اول نسبت کرده اند و منشی و خوشنویس و خواننده در جمله امور از دست گویند و لیکن آنچه که احکام نوشت و خواند از قوت حرفی مطابق افتد از اجتماع راست نمی آید باید که این قاعده در دل یاد کنند

قاعده مجرب در باب آسیب نزوه

اگر کسی سوال کند که غلظت در مریض بیماری دارد یا مریض را آسیب است بدانکه اگر اجتماع در زاویه باشد تمام موجود باشد و شکل ششم و ششم و یاد و از دم تکرار کند تا شک آن مریض را آسیب است و اگر شکل در زاویه باشد شکل ششم از آنچه در خانه در دم ز آنچه تکرار کند و اجتماع بقوت تمام حاضر برل باشد تا شک در مریض را ام الصبیان که آنرا در هندسه جو گویند هست لایعلم الغیب الا هو

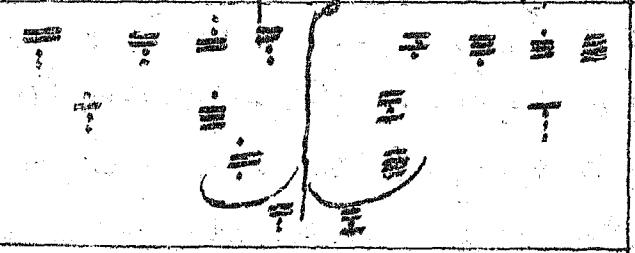
قاعده در بیان طریق کردن حکم از هر خانه ریل و جواب هر سوال

بدانکه او ستادان کالی فن در سوال از مشروبات خانه نگاه کنند و آنچه در شکل که نشینند آنرا با صاحب خانه آن خانه ضرب نمایند و از آنچه آن را آنچه باطن میکنند و حکم تمام چنانچه سوال از خانه



چهارم یعنی از بدو مقام بود ما علی کشیدیم بر مشهور اتفاق افتاد پس این را آنچه را با مالکان خانه بحساب و آنچه در مکتوبه نمودم و در آنچه باطن ساختم بر مشهور اتفاق افتاد و آنچه باطن اینست

و شکل ضرب است که لجهان بخانه اول در زاویه اول است و مالک اول است



پس ضرب کردم و در اجتماع حاصل شد و فرجه بخانه دوم است چون باقیض اول را نقل کرد مالک خانه دوم ضرب کردم لجهان حاصل شد و قتی در خانه سوم است با بعضی الخارج ضرب کردم و کس حاصل شد

خانه مسکن	خاصیت اشکال	اشکال	خانه مسکن	خاصیت اشکال
۱	تفاوت اشکال	۱۱۱	۵۱	تنگی مساحت زمین
۲	عمل اشکال	۱۱۱	۲	دل نداشتن شدن بهت مساحت
۳	تفاوت اشکال	۱۱۱	=	تغییر کردن اشکال
۴	تفاوت اشکال	۱	=	تغییر کردن اشکال
۵	تفاوت اشکال	۱۰	۳	تغییر کردن اشکال
۶	تفاوت اشکال	۱۰۰	۳	تغییر کردن اشکال
۷	تفاوت اشکال	۱۰۱	۵	تغییر کردن اشکال
۸	تفاوت اشکال	۱۰۰۰	۱	تغییر کردن اشکال

در خانه ششم که اشکال خاصیت دارند و هم خانه مثال بدین طریق است ازین جدول چنین

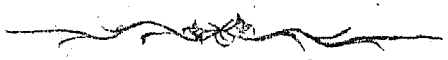
اشکال	خانه مسکن	تفاوت اشکال	اشکال	خانه مسکن	خاصیت اشکال
۱۱۱	۵	تفاوت اشکال	۱۱۱	۵	تغییر کردن اشکال
۱۰۰	۲۵	تفاوت اشکال	۱۱۰	۵	تغییر کردن اشکال
۱۰۰۱	۲۵	تفاوت اشکال	۱۱۰	۵	تغییر کردن اشکال
۱۱۱	۲۵	تفاوت اشکال	۱۱۰	۵	تغییر کردن اشکال
۱۰۰	۵	تفاوت اشکال	۱۱۰	۵	تغییر کردن اشکال
۱۰۰	۵	تفاوت اشکال	۱۱۰	۵	تغییر کردن اشکال
۱۰۰	۵	تفاوت اشکال	۱۱۰	۵	تغییر کردن اشکال
۱۰۰	۵	تفاوت اشکال	۱۱۰	۵	تغییر کردن اشکال

در خانه ششم که اشکال خاصیت دارند با نظیرین معلوم کنند + + +

پس بهترین قیاس دوازده علم رمل و منوبات اشکال در هر خانه نگاه کرده و براس هر سوال اوقات
دستواید و نو نظر را محفوظ خاطر داشته حکم نماید و هیچ رقیقه از دقائن این علم فرو نگذارد تا بهره کامل
ازین علم یابد و آنرا علم بالصواب

خاتمه الطبع از جانب ملک مطبع

سپاس بقیاس موفیقند بی یازار که جلوه قدرت کامله اش در همه ذرات عالم آشکار و لالی صلوات
ذالکبات و تحیات متواترات بر هر قدم مطهر خلیل اینیاسه کرام شار ابا قهر آئینه داران چه تکراره عوالم
عزوب و شهود و صد شبنمان کجین کالات نامحدود در ابشارت فیض اشارت یاد که درین زمان بر کمال
کتاب سعادت آید علما ناسر ار علم و عمل اعنی مرآت الریل مصنفه جلوه طراز سیکر لفریب
علم و خیال حضرت نور محمد رسال در سطح نامی گزای عشقی نو لکشور صاحب سی - آئی - ای واقع
لکن در محضر کج ماه جولائی سال ۱۳۰۳ مطابق ماه ذی الحجه ۱۳۰۲ هجری مسموع مطبع گشته رونق افزای
مجلس نیز در دوران دستور العمل رسالان جهان گردید



اشکال	فایده اشکال	توصیف اشکال	اشکال	فایده اشکال	توصیف اشکال	اشکال	اصح	خاطا	توصیف اشکال
۱۰۰۱	۵	صغیر و دشمنان	⋮	۱	غاب خوش	⋮	۹	۹	غلب و خیال
۱۰۰۲	۶	دشمنان بزرگ	⋮	۲	خوشتر آموختن	⋮	۱۰	۹	آموختن علم و هنر
۱۰۰۳	۷	سزا و اجاب	⋮	۳	جمع با نجات	⋮	۱۱	۹	بالا رفتن امور و برون
۱۰۰۴	۸	غم خوار شدن	⋮	۴	کوهی و پیش رو عمل	⋮	۱۲	۹	فرو شدن و رخ
۱۰۰۵	۹	دشمنان سرخ	⋮	۵	مراودا مفتوح	⋮	۱۳	۹	بالا رفتن مراد و امید
۱۰۰۶	۱۰	دشمنان بیچاره	⋮	۶	دشمنان بزرگ	⋮	۱۴	۹	دشمنان بیچاره
۱۰۰۷	۱۱	جمع دشمنان با نجات	⋮	۷	جنگ و رخ	⋮	۱۵	۹	جمع دشمنان
۱۰۰۸	۱۲	کوهان بزرگ	⋮	۸	دشمنان و جمع و دشمنان	⋮	۱۶	۹	دشمنان و جمع و دشمنان

دو رخاوه هم اینچ که منسوب است اشکال شان زود اندید بطریق دریافت کنند نیست

مترجمین اور روایات صحیح القول سے ہو ہوں
 نقل کیا ہے یہی کتاب ارووی طلیس میں پنجاب
 مطبع اووہ اخبار ترجمہ ہو کر شائع ہوئی
 واقعی قابل دید ہے۔
 معارف السیاست - مترجم مولوی ابوالحسن صاحب
 مطبع التجانب ترجمہ معلومات الآفاق مولانا
 کا ذکر مترجم مولوی مہدی علی خان۔
 ترجمہ مطبع العلوم و صحیح الفنون مترجم
 منشی زین العابدین خان صاحب مراد آبادی
 یہ عمدہ کتاب دو جلدوں میں یکجائی ہوئی ہے
 جلد اول میں فنون مرکبات و مفردات
 ضرب الامثال نکات پسندیدہ - اقوال حکما
 لطائف و ظرافت - سیر و تواریخ - اخلاق -
 معانی - بیان - موسیقی - کا بیان ہے۔ اور
 ۱۶ جلد میں تمام علوم انبیاء و فلسفیات
 کا ذکر ہے۔
 بنیاد تصانیع و یدائع - جامع فنون عقلی
 و نقلی یا ابو ہرلال شکر مرصوف نے کارخانوں
 اور انگریزی کتابوں کو معائنہ کر کے ملک
 ہند کی بے ہنری و بے علمی کی مضرتیں بیان
 کر کے اہل ملک کو علوم و فنون کی طرف توجہ
 دلانی ہو اس میں چار باب ہیں۔ ۱۲۱ باب
 فوائد علم و ہنر ۲۲۲ باب تحصیل علم و ہنر ۳۲۲
 باب علم فلسفہ و کل سازی ۴۲۲ باب علم طب
 اور انگریزی نامہ انگریزی خط میں اور

سنسکرت الفاظ انگریزی میں لکھے ہیں کتاب
 قابل دید ہے۔
 سمجھ کا پتھر مصنفہ مرزا عرفان علی بیگ
 ڈپٹی کلکٹر ضلع کوئٹہ ملک اووہ اسمین علی
 عمدہ ٹیکہ لکھانے کے بطور سوال و جواب
 و مکالمہ کے تحریر کیے ہیں۔
 دائرہ علم حصہ اول - چند معلومات ہیں۔
 پانچ عجیب تر جواہر - بالتصویر بیان اسرار
 انگریزی تماشہ وغیرہ از منشی جواہر لال صاحب
 اسمین بہت سے ہندوستانی و انگریزی تماشے
 اور شعبہ کے مع ترکیب درج ہیں۔
 حرز سلیمانی - یہ نقش آخری ہر حال نقوش
 مجرب ہر قسم میں مؤلفہ خواجہ محمد اشرف علی
 تحقیقات النساء - اسم ہامسی از منشی
 کامتا پرشاد۔
 مجموعہ تعمیر نامہ جدید جس میں بیان خواجہ
 اور اسکی تدابیر بالتفصیل مرقوم ہیں مصنفہ
 یوسفی غیر مطبع۔
 منظر الاعمال - عملیات و نحوینا کا ذکر
 الامولوی منظر حسن۔
 طلسم عجائب - ہر قسم کے نقوش و تیرنجات
 و عجائب الخفیات کا حال مع تصاویر اور
 مولوی احمد علی۔
 کلید سخن - یعنی شرح انشراح کورس
 جو فن شاعری و تاریخ کوئی و لغات کی

تحقیقات و تاریخوں کے انتخاب و عجائب
 حالات و محاورات سے ایک عمدہ مجموعہ عملی ہو گیا ہے۔
 رد الایاطیل - قوت و اہم یعنی جو خیال شکوہ
 وغیرہ ہوتے ہیں اسکے ازالہ کے دلائل۔
 اندر جمال - خیر و شر پر قسم کے از منشی
 سوامی دیال خط اردو و ناگری۔
 نافع الخلاق - ہر قسم کے اعمال و نقوش
 از حاجی محمد زوار خان جاگیر دار راج کوٹا
 طلسم فرنگ - سحر نیم یعنی عمل مفت طلسمی و
 انگریزوں کے عجائب شعبہ کا بیان جو
 پیٹل موتی لال مترجم محکمہ گورنمنٹ پنجاب
 کے کتاب انگریزی مصنفہ ڈاکٹر گریگوری
 صاحب سے حرف بچوں ترجمہ کر کے تالیف
 ۱۸۶۸ء میں مطبع ہذا کو دیا۔
 تاثیر الاظفار - خلاصہ طلسم فرنگ۔
 طلسم روحانی - تعمیر نامہ خواب - از مولانا
 حسین احمد صاحب۔
 عجائبات فریب - حالات انگلستان
 و کیفیت سفر یوسف خان گل پوش نامی پانچ
 رسالہ بمعمرات النساء - بقاعدہ طاقت
 مقناطیسی انگریزی سے ترجمہ از میرزا حسین
 رسالہ جوہر جلا سے برقی - حصہ اول
 بیان طبع سازی و ترکیب گلت وغیرہ
 مصنفہ نابو جوہر لال۔
 جامع ترکیب نظم و نثر گلت کی مکملین

از نابو جوہر لال۔
 جاوید کاش - یعنی تیسری کتاب جاوید
 کے تماشے کی از منشی غلام نبی درباب شعبہ باہر
 و ریاضہ طلسم - از منشی رام پر شاہ تخلص
 عامل غیر مطبع۔
 منظر المصائب - جس میں آلات برقی
 و دیگر عمدہ صنائع مرقوم ہیں قابل تہنیر
 مولفہ مولوی منظر الحق دہلوی۔
 گورکھ دھندھا مسمی - نگار نامہ معراج
 سید معراج الحق۔
 سر سید پیش - از سید غلام حیدر خان بہادر
 کشف اسرار المشائخ - بالقصیدات نامہ
 کتاب ترجمہ اردو از کتاب انگریزی جان
 لی بر دن صاحب حسب نام درویش ہے۔
 گاشن فال - قائل نامہ منطوقم از خواجہ علی
 تخلص منظر۔
 مسدس حالی - مثنوی بہ ترقی و تنزل قوم
 اسلامی از انطاف حسین۔
 سر و وطنی - مسمی بہ تہیا بان تاریخ - اردو
 فارسی ماڈرن تاریخ کے از سید محمد علی مراد آبادی
 برآئندہ حالات مصنفہ منشی جو گوپال جی
 درباب فال تعمیر خواب وغیرہ۔
 مجموعہ اعجاز عیسوی - مصنفہ خواجہ محمد
 عیسیٰ مرحوم عملیات و نقوش کا مذکور عجیب
 دلچسپ مرقوم ہے۔